

زرتشتیان



ماهنامه

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

شماره: ۲۳ - بهار ۳۷۵۲ زرتشتی، ۱۳۹۳ خورشیدی، ۲۰۱۴ میلادی



- گفت و شنودی با بانو دکتر شیدا رستگاری
- جشن نوروز، نمادی شکوهمند
- موسیقی نوروز
- برگردان کتیبه‌ی خشایارشا به زبان عیلامی
- پیشینه تاریخی کوه البرز

نوروز را Nowruz بنویسیم

نوروز فرخنده

نیایش نوشدن سال نو

بنام اهورامزدا

اثنوی خوشبختی است و خوشبختی از آن کسی است که خوابان خوشبختی و بیکران باشد.
تورای اهورامزدا می رسم که قانون اسرارناو نهادی،
آبهاو کیان و روشنائی آفریدی و جهان و همه چیز را نیک آفریدی،

می ستایم روان یلان و پهلوانان و مردان و زنان نیک اندیشی که با نیکی در برابری با بر می خیزند.

می ستایم مردان و زنان نیک اندیش و جاودان را که همواره با منش پاک زندگی می کنند و همواره سودسان می باشند.

همان شود که آرزو کردیم شود که ما هم از پاکان و میکان باشیم.

بهازوریم، بهازور نیوکارانیم، دور از گناه و گناه کارانیم.

هم رود به کشیان و میکان و به نمان به نعت کشور زمینیم.

دور زیویم، درست زیویم، ساز زیویم، تاز زیویم، کام زیویم.

کیستی مان با در کام تن، بی نمان با در کام روان

بهازوریم، بهازور بها شویم. اشم و هو (تاسرا)

زرتشتیان



ماهنامه

فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی

- بهار ۳۷۵۲ دینی زرتشتی، برابر ۱۳۹۳ اسلامی خورشیدی و برابر با ۲۰۱۴ ترسای
- شماره ۲۳، ۵ هزار تا
- سردبیر: مهرداد ماندگاری
- دستیار سردبیر: نسرين اردیبهشتی
- زیر نگر: گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
- رایانه: رامین شهریاری
- تایپ: فریبا کیان زاد
- طراحی و گرافیک: رکسانا کاوسی
- چاپ: LA WEB PRESS
- همکاران گروه انتشار: شهروز آش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرين اردیبهشتی، مهرداد ماندگاری
- دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: هوشنگ مهرخاوندی، طاهره (سها) نصر، جهانگیر موبد گشتاسب اشیدر، ژاله دفتریان (فرانسه)، روانشاد اردشیر جهانیان
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه نویسندگان نوشتار می پذیرد.
- با سپاس از انجمن دوستداران زرتشت، مجله اشا، دهشمندان و آگاهی دهندگان که همواره پشتیبان ما بودند و Oshihan.org نوشتارهای ما بایست با خط خوانا نوشته شده باشند.
- گروه انتشار در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شوند.
- نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رأی و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشند.

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

تلفن و آدرس دفتر ماهنامه

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

۷۱۴-۸۹۴-۹۵۷۷

فکس:

Email: info@czcjournal.org

با سپاس فراوان از دهشمندان و نیوکاران گرامی:

دکتر آبتین ساسانفر و بانو مهر افزون

که با گشاده دستی به این رسانه پشتوانه مالی داده اند.

درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند، خواهشمندیم

چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک «چیس» رفته،

یارانه ی خود را به شماره حساب ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزند

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Account #421-334675-6

مهر افزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

از نسرين اردیبهشتی

سفن نفست

نوروز کهن بار دیگر از راه میرسد و با خود زنده شدن طبیعت زیبا و بهاران را به ارمغان می آورد. در این دوران ما هم در تکاپوی آماده کردن سفره های هفت سین مان هستیم و به گرد هم می آییم تا این جشن بزرگ ملی را بر پا کنیم و به خود و فرزندانمان و دیگران نشان دهیم که ما هنوز هم به آداب و رسوم و جشن های نیاکانمان پای بندیم و آن ها را رها و فراموش نمی کنیم. با برگزاری این آداب و رسوم کهن است که روحمان به گذشته پیوند می خورد و امید به آینده در وجودمان جان می گیرد.

در یکی از این روزهای نوروزی بود که پسر دوستی را به خانه آورد تا سفره هفت سین مان را به او نشان دهد. با دیدن این جوان که خال کوبی بزرگی هم بر روی دستش بود سبب شد تا از همنشینی او با پسرم آشفته و نگران شوم. اما بر خلاف پندار نادرست و احساس بی پایه ام پس از گفتگو و هم نشینی با این دوست، دریافتم که او جوانی فهمیده، محترم و به حرفه و کالت در یکی از دادگا های محلی مشغول است. به پیش داوری بی جا و نادرست خود پی بردم و از خود شرمند شدم و احساسم را با پسرم در میان گذاشتم. در این سرزمین که ما در آن زندگی می کنیم انسان های فراوانی با شکل و شمایل و آداب و رسوم بسیار متفاوت، همگی تحت یک قانون با صلح و آرامش در کنار یکدیگر کار و زندگی می کنند. پیش داوری در مورد دیگران و تنها به ظاهر افراد اهمیت دادن کاری اشتباه و ناشایسته ای است. چنانکه سعدی گوید: بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند.

نوروز باستانی هم پیک دوستی، صلح و آرامش با خود به همراه می آورد. باشد که در این دوران نوروزی دست کمک و دوستی به سوی دیگران دراز کنیم. افراد غریب و تنها را به سر سفره هفت سین مان پذیرا شویم و در کنار سفره های رنگین مان دهش و دستگیری از نیازمندان و خدمت به دیگران را هم به جا آوریم. پیام راستین نوروز پیام دوستی ها و پاک کردن دلهايمان از کینه ها است. می گویند زمانی که انسان در بستر مرگ آرمیده است تنها به یک چیز می اندیشد و آن کمک و خدماتی است که به دیگران کرده است. باشد که ما هم در زمان مرگ سرشار از لذت بخشش و خدمت به دیگران چشم از جهان فرو بندیم.

ایدون باد

جشن نوروز، نمادی شکوهمند، نشانگر هویت ریشه دار باستانه ایرانیان

نوروز را Nowruz بنویسیم

های والای او سر ستایش فرود آورده اند. او را اندیشمندی بی همتا و بینشمندی یکتا شناخته اند. چون آموزش های اساسی زرتشت از محدوده زمان و مکان و مردم معین فراتر می رود و به زمان و مکان نامحدود هر جا که بشر است می پیوندند. از گذشته سخن نمی گوید. ناظر بر آرامش زمان حال و آینده نزدیک و دور است. آدمی از آموزشهای اساسی زرتشت می آموزد که چگونه خود را به آرامش و رسایی و جاودانگی برساند تا با اشان نظم جهان هستی هماهنگ شود.

براستی ما از چه کسی و چه کسانی خواهان این همه راهنمایی هستیم که گفته اند: «آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم». بهر روی بر این مژده آورنده بهار دل انگیز همراه با نوروز و نوشدن جهان و فرا رسیدن بهار پر شکوفه و گل و سبزه و شادابی با همه تار و پود هستی خود ارج می گذاریم و جشن فرخنده نوروز و ششم فروردین را که این بینشمند بزرگ در آیین جاودانه اش برای جهانیان روشنی و فروغ و شادی و خرمی و زیبایی آشتی و مهر به همراه آورده است گرامی می داریم و این دو پدیده بزرگ و خجسته را به هم میهنان ارجمند و شیفتگان آیین او شادباش می گوئیم و آرزومندیم که در پرتو اندیشه های مردمی این بزرگمرد تک دانه، اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک، بد اندیشی که پایه و مایه همه ناهنجاری های جهان است زدوده شود و بار دیگر در سایه آموزشهای خردمندانه او منش نیک و آزادی از دست رفته به ما باز آید.

آموزش هایش گویای والایی و ارزشمند بودن پایگاه آدمیان است. او از دروغ بیزار است. اهورامزدا یار و یاور آفریده های خود است. اشوزرتشت راستی و درستی را سرمایه نیک بختی دانسته و می فرماید:

«خشم و نفرت را از خود دور سازید و مگذارید اندیشه هایتان به ستم و بیدادگری گرایش یابد. به منش پاک و مهر و مهربانی دلبستگی نشان دهید. پاک سرشتان، راستی

و درستی را گسترش دهند. هنگامی که به آیین اشویی آزادی پایبند باشید، از بهترین پادشاه بهره مند می شوید، ولی اگر گرفتار دام های پلید و بد اندیشی شدید و از آیین آزادی دست بردارید، پیامد آن جز رنج و اندوه و افسوس نیست.» استاد میلزی می گوید: «خصوصیات ویژه این آموزگار بزرگ، همانا تعلیم ارزنده ایست که در کتاب گات ها و سرودهای بی نظیر این پیامبر گنجانیده شده است و در هیچ عصر و زمان و در هیچ نقطه جهان تا آنجا که مدارک و شواهد نشان می دهد شخصی وجود نداشته که چنین اندیشمندانه و پر مغز سخن گوید. گرچه امروزه برخی از همان افکار بلند جنبه ی فلسفی، مذهبی، و اخلاقی یافته است ولی تا آن زمان چنین اندیشه های شگرف و سخنان گهربار را کسی بر زبان نیاورده بود.» میلز تا آنجا پیش می رود که می نویسد: «اگر آنگونه که اغلب ما معتقدیم روح انسان ابدی باشد، روح زرتشت بر

که ما به سرفرازی جهان و جهانیان است، اشوزرتشت می باشد که آغاز زندگی پر بار و مآمال مردمی و نیک خواهی او، با بهار دل انگیز و با نوشیدن جهان همراه است.

به سخنی دیگر، او پس از تاریکی ها، سردی ها، آزارها به سوی شکوفاییها، روشناییها و فروغ های تابناک و شادی آور می آید. زمستان سرد و سیاه را پشت سر می نهد و مژده بهار دلنشین، سرسبز و گل های شکوفان را با خود می آورد.

آغاز زندگی او نوشدن جهان است، زیرا در اندیشه این تک دانه بی همتا زندگی زیبا است. شادی و خوشبختی بهتر از سیه روزی است. زیرا او پیام آور این پیام است که باید زیست و شاد بود.

بزرگ مردی که زندگی پر بار و شکوفنده اش از دید تاریخی به ۱۷۶۸ سال پیش از زادن مسیح می رسد. او که از میان تاریکی ها، روشنی می آورد. او که فروغ تابناک را در برابر سیاهی ها می گذارد. او

که هر چه زشت و پلید و ناپاک است، هر چه نیستی و مرگ است، و هر چه درد و غم و اندوه است، هر چه جنگ و خشم است، از بد اندیشی (اهریمنی) می داند و همه خوبی ها، پاکي ها، زیبایی ها، شادی ها، شکوفایی ها و سرانجام همه زندگی را به دادار بزرگ و نیکخواه و خوب خود، اهورامزدا پیوسته می داند و از آن او بشمار می آورد.

اشوزرتشت اسپنتمان است بنشمندی از سرزمین ایران با نژادی آریایی، با اندیشه ای آرمانی، زرتشت نیکخواه نیکلی بود که در برابر اندیشه های پلید زمانه بلند شد به جنگ زور و نا برابری و ستم رفت. به پیکار با کشتار جانداران و قربانی آنها پرداخت، زیرا او به زندگی بیش از آن ارج می نهد که به این آسانی به سوی نیستی کشانده

شود. او بخوبی آگاه بود که در این جهان خاکی، زندگی به دشواری بدست می آید. هر درختی را قطره قطره آب بیار می آورد و هستی می بخشد، و آنرا بارور می کند. پس آدمی که در آیین مردمی او اوج آفرینش است، باید به شیوه درست از فراوانی ها و شادی ها بهره مند گردد و همواره بر چهره زندگی لبخند بزند.

بد اندیشان برای خشنود کردن خدای خود، خون چهارپایان را می ریزند. این بیدادگری و ستمگری است. او همه جا از آزادی و آزادی و آزادمندی سخن می گوید و از بردگی بیزار است.

جشن نوروز، نمادی شکوهمند از همبستگی ملی و نشانگر هویت ریشه دار یک ملت بزرگ باستانی است که همه به آن پایبندند و سزاوار این آیین بزرگ و غرور آمیز که در درازنای هزاران سال همراه با استواره های بسیار دل انگیز از جمشید و کیخسرو گرفته تا رنگ کردن تخم مرغ و آرایش سبزه و چیدن سفره هفت سین یا هفت شین یا هفت چین، همه دلالت بر هستی ملتی بزرگ و سربلند دارد که با فرهنگی توانا و درخشان و سترک زیسته است، و از آن پاسداری نموده تا به آیندگان بسپارد.

هنگامی که نیروهای سرکوب و دشمنان از هر گروه و دسته و رنگی بخواهند ایران و فرهنگ ایرانی را از میان بردارند، آیین ها و جشن های ریشه داری چون نوروز پشتوانه بزرگترین پایداری ها را پدید می آورد و بر دهان بد خواهان و بد دلان می کوبد و از هستی ما دفاع می کند. از اینرو باید بکوشیم تا نشان دهیم که پاسدار فرهنگ پر توان و شکوفایی هستیم که سهم بزرگی در پیشرفت بشر و پایه ای بلند و والا در خانواده فرهنگ های بشری دارد. نه تازش تازیان و نه کشتار چنگیز و تیمور و نه تاخت و تازهای دیگر بیگانه پرستان هیچکدام نتوانسته اند کوچک ترین خللی بر این فرهنگ ریشه دار وارد سازند گذشته از گرامی داشت جشن نوروز، جشن بزرگداشت زاده شدن اشوزرتشت اسپنتمان در ششم فروردین ماه میباشد. نوزادی که در هنگام چشم گشودن به جهان، خندیدن او جای گریستن را می گیرد. اندیشمندی که به جای رنج و درد و آزار و اندوه برای آدمیان مژده جشن و شادی و شادابی را به ارمغان می آورد. بینشمند بی همتایی که بجای فریادهای زشت جنگ و کشتار و نابودی، نوید پراکندن شکوفه های مهر و دوستی می دهد.

گوهر دردانه و ارزنده ای که بجای زمین لرزه، بیماری چشم، نا بسامانی، بدبختی و کینه برای مردمان بایسته ای سرشار از مهر و مهربانی و دلی پر از مهر و مردم دوستی و راستی و درستی و پیام آور خوشبختی و بهروزی و شادکامی می باشد.

با سروده های آسمانیش (گات ها) شور و شادی و نیک ورزی می آفریند که بر راستی در جهان یافت نمی شود.

آنانکه شیفته ایران زمین و دلباخته این مرز و بوم سرشار از پاکي و مهر و نیکدلی باشند، بخوبی می دانند که این بزرگمرد



فراز تمام نسل ها ی پس از او، ایرانی و غیر ایرانی، درخشش دارد و بسیار جالب و شگفت انگیز است که در آن محیط ساده ایران کهن چنین کلام عالی بیان شده است.

سخن گفتن از این پیام آور راستین در این کوتاه نوشته نمی گنجد. بزرگترین دانشمندان جهان در برابر اندیشه

خوان یا سفره نوروزی

آغاز این بخش اشاره شد، ولی امروزه نماد اصلی خوان نوروزی (هفت سین) شناخته شده که چیدن آن همراه با روش ویژه ای و هر خانواده به فراخور حال خود در رنگین کردن آن کوشش می کند. در این سفره هفت قلم از چیزهایی که با حرف (سین) آغاز می گردد گذاشته شده و در کنار آن بنا بر رسم خانوادگی و یا محلی چیزهای دیگری هم بدان افزوده می گردد.

سفره هفت سین : ساعتی چند پیش از تحویل سال به افق هر محل در بهترین اتاق خانه ، بر بهترین سفره ، از سوی کد بانو خانه چیده میشود و برای آراستن آن از بهترین ظرفها استفاده می گردد.

امروزه در میان ایرانیان آنچه که سفره نوروزی را آرایش می دهد این چنین است:

- سیب: نشانه ی تندرستی و سرخ رویی است و نمادی از زیبایی های طبیعت و عطرآگینی آن است.
- سماق: ادویه است که برای چاشنی خوراک بکار برده می شود و رنگ سرخ و زرد آن نمایانگر برآمدن خورشید و چیرگی روشنایی بر تاریکی است .
- سبزه: نماد سرسبزی و خرمی و فراوانی است. سبزه های نوروزی که از روزهای

پیش در بشقاب ها جوانه زده اند در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر زیبایی سفره هفت سین می افزایند. معمولا دانه های گندم ،جو،عدس،ماش و نخود از چندی پیش از نوروز کاشته میشود . سبزی شاهی هم رسم است که آنرا بر کوزه می رویانند و این سبزی ها را تا روز سیزده بدر در خانه به نشانه ی سر سبزی و فراوانی نگه می دارند.

• سیر: : به عنوان داروی سلامتی در خوان نوروزی گذاشته می شود.

• سمنو: نماد باروری و زایش است که از گندم فراهم می شود.

• سنجد: سنجد نماد و یا نمودار عشق و دلدادگی و مهر و دوستی است.

• سرکه: چاشنی رایجی است که در بسیاری از غذاها به کار برده میشود که به نشانه داروی سلامتی در سفره گذاشته می شود.

غیر از هفت سین نامبرده شده،سکه،تنگ ماهی قرمز،کاسه ای پر از آب که در آن نارنجی گذاشته شده ،گلآبدان،گل بید مشک ،سنبل، اسفند، آیینه، شمع ، شیر،عسل،پنیر،انار،سبزیخوردن، بر سفره هفت سین گذاشته می شود و همانگونه که گفته شد،هر خانواده به فراخور سلیقه های خود، فرآورده های دیگری را بدان می افزاید.

نا گفته نماند که ایرانیان پیرو هر دین و آیینی که هستند،کتاب مقدس دینی خود را به عنوان تبریک و خجستگی بر روی سفره هفت سین می گذارند، زیرا که نوروز جشن ملی همه ایرانیان است.

دید و بازدید نوروزی

پس از تحویل سال رسم است که همه به دیدن خویشاوندان و دوستان و همکاران می روند و این کار از بزرگترین شخص خانواده آغاز می گردد، نوروز بهترین بهانه ای است که با دید و بازدید ، کدورت بدست فراموشی سپرده شود.

سیزده بدر

روز سیزده فروردین خانواده ها دستجمعی و یا انفرادی با تدارک ناهار، عصرانه و گاه صبحانه ، خانه و شهر را ترک می کنند و روزی را به خوشی و شادمانی می گذرانند. باور همگان بر این است که گذراندن سیزده نوروز در باغ و دشت و انداختن سبزه های نوروزی در آب از پیشامدهای بد جلوگیری می کند و سراسر سال در خوشی و شادمانی خواهند بود.

بنابراین سیزده بدر نقطه ی پایان جشن های نوروزی بشمار می آید.

نوروز نیایش

خدایا به نام تو امروز را	سپاس آورم بخت پیروز را	بیاریم آیین نوروز را
خدایا که تنها توانا تویی	که دانای پنهان و پیدا توی	که بخشنده زشت و زیبا تویی
خدایا مرا بخش پندارنیک	روان خردمند و گفتارنیک	توان برومند و کردار نیک
مرا بخش از فره ایزدی	بزرگی و فرزاندگی و ردی	همه زندگی شادی و بخردی
مرا بخش اندیشه بارور	به تن تندرستی به دستان هنر	به دل مهربانی به گنجینه زر
به بخت و به بینش بدارم بلند	به کار و به کوشش دلیر و نوند	به اورنگ نامی به نام ارجمند
در این گردش سال هنگام نیک	بدین سال نو بخش فرجام نیک	به آغاز نیک و به انجام نیک
چنان کن که هر روز نوروز باد	که فردا نکوتر ز دیروز باد	که همواره نوروز پیروز باد

دکتر کورش امیر جاهد

خدای بزرگ است
اهورامزدا ، که آسمان را آفرید،
که برای مردمان ، شادی را آفرید.....
درودی چو بوی خوش نو بهار
درودی به سبزه ، درودی به خاک!
درودی به آتش به نوروز و نور!
درودی به آیینه و روشنی
درودی به شبنم ، درودی به آب
به آزادگان فارغ از هست و بود

به یاران آزاده در آن دیار!
درودی به میخانه ، انگور و تاک!
درودی به ماهی و تنگ بلور!
به جان های پاک و پرستیدنی !
به پروانه ، گل ، آسمان ، آفتاب!
درود و درود و درود و درود !

مهدی نکایی(نوشا)

خوان (سفره نوروزی)

یکی از آیین های نوروزی از روزگار باستان ، چیدن خوان نوروزی از فراورده های گوناگون بوده است که با گذشت روزگار دگرگونی هایی در آن پدید آمده و به صورت هفت چین ، هفت شین [هفت سینی و هفت سین در آمده است.

اگر چه نوروز یکی از جشن های ملی ایرانیان است، ولی با گذشت روزگار ، رنگ و روی دینی هم به آن داده شده و امروز گذاشتن هفت سین بر روی سفره نوروزی در میان زرتشتیان مرسوم گردیده است ، ولی بطور کلی در سفره نوروزی و مهرگان افزودن بر نهادن آیینه و گلاب پاش و نامه مینوی اوستا چیزهایی هم گذاشته می شود که نماد (مظهر مادی هفت امشاسپندان) می باشند.

در نهادن هر یک از این چیزها فلسفه ای نهفته است:

الف: آیینه ، نشانه روشنایی ، پاکی ،خوش بینی و یاد آور این حقیقت است که زندگی چون آیینه ای نمایانگر شادی و لبخند و در عین حال غم و اندوه آدمی است.

ب: گلاب ، نماد خوش بویی ، شادمانی و خرمی است .

ج: نامه مینوی اوستا و یا هر نامه دینی دیگر نماد پاکی و مینوی بودن جشن است .

هفت امشاسپندان

از روزگار باستان ، شماره هفت در بین ایرانیان گرامی بوده ، چنانکه پیمودن هفت گامه در آیین میتراپی ، هفت امشاسپندان ، هفت خوان رستم و هفت شهر عشق در فرهنگ ایرانی آمده است . در آیین زرتشتی شش امشاسپندان (فروزگان اهورامزدا) هستند، ولی چون نام اهورامزدا در سر آغاز امشاسپندان آمده است ، از اینرو هفت امشاسپند هم گفته می شود.

امشاسپندان فروزه ها (صفات) خداوند هستند که با پیروی و پرورش آنها آدمی به کمال و رسایی و جاودانی مینوی می رسد. در سفره نوروزی و یا سفره های دیگر جشن ها نماد گیتایی هر یک از امشاسپندان گذاشته می شود تا یاد آور این فروزه ها باشند.

امشاسپندان و نماد آنها به این ترتیب نامبرده می شوند:

• اورمزد (اهورامزدا): در اندرز گواه گیری می خواهیم « هرمزد هروسف توان که مردم را به نیروی دانایی و گویایی برتر آفرید، دادش مردم دوستی است.»

بنابراین درهر جشنی ، بودن مردم یکی از بایستنی ها است.

• وهمن (نیک اندیشی): در گیتی وهمن یا (وهومن) نماد و یا سرپرست چهارپایان سودمند است، بنابراین دست کم یکی از فرآورده های حیوانی مانند شیر، ماست، کره و غیره در سفره نهاده می شود.

• اردیبهشت (بهترین پاکی و راستی)، در گیتی آتش نماد اردیبهشت است . از اینرو در سفره نوروزی آتشدانی برای سوزاندن مواد خوشبو و عطرآگین نمودن فضا گذاشته می شود.

• شهریور (چیرگی بر نفس شهریاری بر گزیده و یا شهریاری اهورایی): نماد شهریور در گیتی فلزات است، بنابراین دست کم یکی از خوراکی ها در ظرف فلزی در سفره گذاشته می شود.

• سپندارمزد(مهر و فروتنی): در فرهنگ ایرانی و دین زرتشتی ، زمین ، نماد سپندارمزد است که مادر و میهن هم گفته می شود و در ادبیات آمده است (تو ای بنده ، افتادگی کن

چو خاک). بنابراین نهادن گلدان و یا سبزی هایی که در خاک رسته باشد ، بر روی سفره نهاده میشود . نان و برنج و شیرینی و حلوهای گوناگون هم وابسته به سپندارمزد است.

• خورداد (رسایی و کمال) : آب، در گیتی نماد خورداد است . از اینرو شربت و یا آب و یا آشامیدنی دیگر بر سر سفره نهاده می شود.

• امرداد (بی مرگی و جاودانی مینوی): در گیتی ، دار و درخت و گل و سبزه ، نماد امرداد امشاسپندان است . بنابراین از هرگونه گل و سبزه ای که در دسترس باشد در سفره نوروزی نهاده میشود.

کوتاه سخن اینکه خوان نوروزی نشانه ی روشنایی، پاکی و راستی ، مهر و دوستی ،رسایی و جاودانگی مینوی است. از اینرو شایسته است فلسفه ی این جشن با شکوه را بدانیم و در پاسداری و بزرگداشت آن بکوشیم.

سفره هفت سین

درباره پیشینه سفره نوروزی در روزگار باستان و دگرگونی آن در درازای تاریخ در سر

گفت و شنودی با بانوی موفق ایرانی

آگاهی یافتیم که یکی از استادان برجسته و پرکار دانشگاه ایالتی اکلاهما (OSU) شیدا رستگاری می باشد. به پای گفتگو با ایشان می نشینیم تا از زندگی و حرفه شان آگاهی بیابیم.

بانو دکتر شیدا رستگاری پروفیسور برجسته اقتصاد کشاورزی بین الملل و گرداننده برنامه فوق لیسانس کشاورزی بین الملل و دارنده کرسی

Humphreys Endowed در کالج مطالعات بین الملل « در دانشگاه ایالتی اکلاهما می باشد.

پروفیسور رستگاری در تهران بدنیا آمده و بزرگ شده است. او یکی از ۴ فرزند روانشادان پرویز رستگاری و ایراندخت سروشیان می باشد. دکتر رستگاری می گوید:

« من در خانواده ای بزرگ شده ام که ارزش فراوانی برای تحصیلات، سیاحت



و فراگیری زبان دوم قابل بودند. خانواده من به درستکاری، منصف بودن نسبت به دیگران و تساوی و برابری برای همه، اهمیت فراوانی می دادند. دین در نزد ما نه تنها یک مورد الهی محسوب میشد بلکه یک نهاد فلسفی بود که با پیروی از آن می توان زندگی ای بهتر داشت.»

پروفیسور رستگاری پس از دریافت لیسانس خود از دانشکده اقتصاد دانشگاه ملی ایران برای ادامه تحصیل به آمریکا آمد. او از دانشگاه ایالتی IOWA (ISU) ابتدا به دریافت فوق لیسانس و سپس به دریافت دکترای خود در رشته اقتصاد نایل آمد. دکتر رستگاری پس از گذراندن دوره تحقیقاتی فوق دکترای خود از دانشگاه UCDAVIS در کالیفرنیا به اکلاهما مهاجرت کرد تا با همسر خود David Henneberry که او هم دارای دکترای اقتصاد است بتوانند هر دو در یک دانشگاه به کار تدریس در کنار یکدیگر و آغاز زندگی زناشویی خود بپردازند.

پروفیسور رستگاری می گوید: « روزی را که برای کار جدیدم به اکلاهما نقل مکان کردم را خوب به یاد دارم. روز بسیار گرم با گرمای بالای ۱۰۰ درجه بود. با خود فکر می کردم که آیا زندگی در این شهر بسیار گرم چگونه خواهد بود. از آن روز ۳۰ سال گذشته است و من هنوز در همین شهر زندگی می کنم. اکلاهما طبیعتی بکر، دست نخورده و زیبایی دارد و شهر Stillwater که ما در آن سکونت داریم از نظر آموزشی و فرهنگی بسیار غنی است. حقیقت امر این است که محل زندگی آدمی مهم نیست. آنچه بنظر من اهمیت دارد این است که در طول زندگی خود چه کرده ایم! و چه تاثیری بر زندگی دیگر انسان ها داشته ایم!

این نکاتی است که بعدها می توان درباره آنها با فرزندان خود و نسل بعدی سخن گفت.»

از دکتر شیدا رستگاری می پرسیم که آیا پیام زرتشت در زندگی فردی و حرفه ای ایشان چه تاثیری گذاشته است؟

او پاسخ میدهد که به اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک باور بسیار دارد و همواره در دوران زندگی خود از این ۳ اصل دین زرتشتی که پایه یک زندگی پاک و راستین است پیروی کرده است.

دکتر شیدا رستگاری کار کردن با دانشجویان را کار رضایت مندی می داند و می افزاید:

« زمانی که دانشجویان فارغ التحصیل کلاس هایم را می بینم که از فنون و تکنیک هایی که آموخته اند در حرفه خود استفاده می کنند و آنها را برای حل مسایل و مشکلات واقعی و مهمتر دنیا بکار می برند در می یابم که کارم را به درستی به انجام رسانده ام و احساس رضایت کاملی در من بوجود می آید.»

دکتر شیدا رستگاری می افزاید که سبب برگزیدن رشته تحصیلی او «اقتصاد کشاورزی بین الملل» پدر او بوده است، زیرا که او یک کشاورز و یک اقتصاددان بود و در بسیاری از موارد، مسایل روز

نوروز را Nowruz بنویسیم

اقتصادی و کشاورزی را برای خانواده اش مطرح و مورد بحث و گفتگو قرار می داد.

پروفیسور شیدا رستگاری جوایز و تقدیرنامه های فراوانی از موسسات و سازمان های آمریکایی و بین المللی دریافت کرده است. بسیاری از جوایز ایشان در مورد نوع و خلاقیت در روش تدریس ایشان می باشد. دکتر رستگاری بیش از ۱۰۰ نوع انتشارات مربوط به اقتصاد کشاورزی بین الملل دارد و سفرهای گوناگونی به کشورهای چون چین، هند، مکزیک، و غیره به منظور کنفرانس و سخنرانی در مورد رشته تخصصی خود انجام داده است. ایشان مشاور فرهنگی برای عده زیادی از دانشجویان فوق لیسانس و دکترای و همچنین اساتیدی که از سایر نقاط دنیا برای تحصیل و تحقیق به دانشگاه اکلاهما می آیند هستند.

از پروفیسور شیدا رستگاری می پرسیم که رمز موفقیت خود را در چه می داند؟ او می گوید که «کوشش و تلاش مداوم، پشتکار و تمرکز در بدنبال کردن هدف است که شما را به مقصد میرساند.»

او می افزاید که « زندگی آدمی بسیار کوتاه است. تنها به فکر خود بودن زندگی را پوچ و بی معنی میکند. کمک به دیگران و تاثیر مثبتی در زندگی دیگران داشتن است که به زندگی آدمی معنا و ارزشی می دهد. من به شناخت انسانهای دیگر علاقه دارم و از آنها می آموزم. بهمین سبب است که از تماس و کار کردن با دانشجویان احساس رضایت می کنم و بسیار می کوشم تا آنچه را که خود آموخته ام به آنها بیاموزم.»

دکتر شیدا رستگاری و همسرشان David Henneberry که خود از اساتید دانشگاه اکلاهما می باشد دو پسر دارند که اولی در رشته دندانپزشکی مشغول به تحصیل است و دیگری دانشجوی دانشگاه Brown university می باشد. بانوانی چون پروفیسور شیدا رستگاری افتخار آفرین جامعه ایرانی هستند. از ایشان برای فرصتی که به من داده اند سپاسگزاری می کنم و برای خودشان و خانواده محترمشان دیرزیوی و تندرستی آرزو دارم.

باشد که جوانان ما با پیروی از راه اشا و استفاده از امکانات تحصیلی فراوانی که در این مملکت پیشرفته و آزاد وجود دارد بتوانند به مقام های والایی نایل آیند.

نوروز

فرخنده

موسیقی نوروز

فرهنگ و هویت فرهنگی چگونه در وجود انسان شکل می‌گیرد؟ آیا می‌توان گفت؛ انسان حتی قبل از تولد دارای فرهنگ خاصی است و یا در بدو تولد این مهم بر وی ارزانی می‌شود؟ و بالاخره آیا فرهنگ و هویت فرهنگی از قانون وراثت پیروی می‌کند؟



هر کودکی پس از تولد یگراست به سراغ پستان مادر می‌رود. خوردن و خوابیدن مهمترین فعالیت زندگی اوست و پس از رفع نیازهای مادی، گاهی طلب محبت می‌کند که با نوازش پدر و مادر به آرامش می‌رسد. این روند تا دو، سه سالگی همین است. از آن به بعد تلاش‌های والدین برای آموزش زبان کم‌کم به بار می‌نشیند و در چهار یا پنج سالگی کودک با زبان مادری به‌عنوان نخستین و مهمترین مشخصه فرهنگی‌اش آشنا می‌شود. دوران آموزش زبان کودکان

گرفتن، شادی و پایکوبی و خلاصه مهر و محبت بیشتر. گره خوردن نوروز با شخصیت کودک همراه با نیکی‌ها، خوشی‌ها و محبت‌های فراوان است، لذا تا دم مرگ هم نوروز، برای او مهربانی را تداعی می‌کند و دل‌کنند از آن ممکن نیست، حتی اگر ایرانی از سرزمین مادری‌اش فرسنگ‌ها دور باشد.

جشن عید نوروز دارای آداب خاصی است که چند روز قبل و چندین روز بعد از تحویل سال نو به اجرا درمی‌آید. تنوع رسوم در این همایش بزرگ بسیار زیاد است و گاهی مطابق سلیقه افراد در زمان و مکان متفاوت، متنوع‌تر می‌شود. آنچه از ادبیات ایران باستان به جا مانده، نشان می‌دهد، مراسم جشن نوروز و تحویل سال نو، در روزگاران کهن همراه با نواختن دف بوده و سرودهای خسروانی دوران ساسانیان به‌طور گروه‌نوازی با این ساز اجرا می‌شده است. برای قوم ایرانی دشوار خواهد بود اگر مراسمی بدون موسیقی برگزار شود، آن هم جشن بزرگی چون عید نوروز. بنیاد نوروز بر اساس شادی و شادمانی است پس موسیقی‌اش نیز شاد و طرب‌انگیز است و نه هر آهنگ شادی تواند که در این منزلگه جای گیرد. موسیقی نوروز فقط شادی و پایکوبی نیست بلکه امید به فردا و حس پیشرفت در درونش موج می‌زند و این نغمه بخصوص دارد.

از مهم‌ترین نغمات مربوط به عید نوروز، می‌توان به آهنگ لحظه تحویل سال نو اشاره کرد که سالیان متمادی، رادیو و تلویزیون ایران آن را به همین مناسبت پخش می‌کند. این نغمه دقیقا در فضای درآمد چهارگاه از ردیف دستگاهی شکل گرفته است و با آنکه کلامی در بر ندارد، به درستی دمیدن افق سال جدید و نوشدگی را بشارت

می‌دهد. سازبندی خاص آهنگ نیز که با فقط با دو ساز کهن سرنا و دهل همراه است، به نوعی حکایت از دیرینگی نوروز می‌کند. مردمان سرزمین بختیاری از دیرباز با آهنگ مخصوصی به استقبال نوروز می‌رفتند که اینک این آهنگ هم از طریق رسانه‌ها، با صدا دهی سرنا و دهل عمومیت بیشتری یافته است. قطعه مزبور نیز فواصل چهارگاه را دارد منتها گردش نغمات آن شباهتی به ردیف دستگاهی ندارد. یکی از سنن فراموش‌شده ایرانیان در جشن عید نوروز، مراسم استقبال از سال جدید در لحظه تحویل سال بود. در این آیین، عده‌ای از مردم و به‌ویژه جوانان به همراه نوازنده سرنا و دهل قبل از تحویل سال به دروازه شهر و ده خود می‌رفتند و پس از تحویل سال نو سرنا زنان و دهل‌کوبان برمی‌گشتند و به اصطلاح عید را با خود به شهر می‌آوردند. این رسم دیرین بیشتر در مناطق مرکزی ایران رایج بوده است ولی اکنون ایرانیان ترجیح می‌دهند مراسم استقبال از نوروز را پای صفحه تلویزیون برگزار کنند!

به هر روی همه‌ساله نوروز از راه می‌رسد و قوم ایرانی نه‌فقط در جغرافیای فعلی ایران بلکه از آسیای میانه گرفته تا آسیای صغیر، شمال هند و پاکستان، اروپا و آمریکا و کشورهای عربی، همگی به استقبال نوروز می‌روند. اگرچه مثل گذشته‌ها نیست، اما با هر کیفیتی که هست جشن نوروز برگزار می‌شود و سال به سال رونق بیشتری می‌یابد، به‌خصوص آنکه این آیین با اقبال جهانی روبرو شده و از طرف سازمان ملل متحد روز یکم فروردین به نام روز زمین نامگذاری شده است.

از: هوشنگ سامانی

سالگرد ماهنامه زرتشتیان

آغاز نهمین سال نشریه ماهنامه زرتشتیان را جشن می‌گیریم. در این ۹ سال توانستیم با کوشش و همکاری و همیاری دیگر نویسندگان پیام زرتشت را به گوش دیگران نیز برسانیم و جامعه ایران را یادآور آیینهای کهنی باشیم که هزاران سال بنیاد فرهنگ ژرف و درخشان ایرانی بوده و آنرا استوار نگه داشته است و در برابرتازش سهمگین زمان که هر گاهی بر سرزمین اهورایی ایران وارد می‌آید همچنان استوار برپا بمانیم. باشد که با برگزاری هر چه بهتر این آیین‌ها و نگهداری فرهنگ ژرف ایرانی در برابر این تهاجم‌ها همچنان استوار و پایداری نشان دهیم. از تمامی دوستانی که در این ۹ سال پشتیبان و یار و یاور ما بوده‌اند سپاسگزاری می‌کنیم.

با این آرزو که سالیان بیشماری همچنان با یاری شما خوانندگان، این رسانه را بهتر و پربارتر در دسترس شما بگذاریم و قدم کوچکی را که برای گسترش پیام زرتشت و آیین ایرانی برمی‌داریم گامی بزرگتر و جهشی بلندتر در آینده باشد. به آرمان آنکه نسل آینده با شناختی که از این آداب و رسوم پیدا می‌کند ادامه دهنده آن باشد.



مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می‌کند که نوشتارها، فرتورها (عکس) و پیشنهادهای خود را به نشانی cninfo@czcjournal.org

برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای

www.czcjournal.org

میتوانید نشریه‌های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

از : روانشاد اردشیر جهانیان
برگرفته از: گزارش باستان شناسی

برگردان کتیبه ی خشایارشا به زبان عیلامی



اهورامزدا را طبق آیین مقدس بهدینی ستایش نما، زیرا هرکس این قانون را که اهورامزدا فرمان داده است مراعات کند و بر طبق آیین مقدس و بهدینی نیاز ببرد، در زندگانی شاد و پس از مرگ رستگار خواهد شد.

خشایارشا گوید : اهورامزدا من و خانواده سلطنتی ام را از آسیب ننگه دارد.

من از اهورامزدا درخواست میکنم اهورامزدا همه ی آنرا بمن ببخشاید.

برگردان لوحه طلایی آریامنه اولین نوشته میخی پارسی خالص که در سال ۱۹۲۰ میلادی در همدان بدست آمده و روی آن لوحه ده سطر بدین مضمون نوشته شده و فعلا در موزه برلن موجود است و اندازه آن ۸ در ۱۲ می باشد.

برگردان آریامنه شاه بزرگ شاه شاهان پارس پسر چش پش شاه ، نوه هخامنشی آریامنه شاه می گوید: این کشور پارسی که من دارم و دارای اسب های خوب و مردمان نیک است، اهورامزدا آنرا بمن عطا فرموده است.

از مرحمت اهورامزدا من شاه این کشورم. آریامنه شاه می گوید : اهورامزدا من را یاری کناد.

لوحه طلایی ارشام شاه جد داریوش فرزند آریامنه به اندازه ۸ در ۱۳ که روی آن ۱۴ سطر به میخی پارسی نوشته و نامبرده در گنجینه شخصی مارسل دیدان در نیویورک نگهداری میشود. برگردان: ارشام شاه بزرگ شاه شاهان ، شاه پارس پسر آریامنه شاه هخامنشی.

ارشام شاه می گوید : اهورامزدا خدای بزرگ که بزرگترین خدایانست مرا پادشاه کرد ، و بمن سرزمین پارس را عطا فرمود که مردمان نیکو و اسبان خوب دارد.

از مرحمت اهورامزدا این سرزمین را دارا هستم.

اهورامزدا مرا و خانواده مرا حفظ کند و این سرزمین را که من دارا هستم ننگه دارد.

خدای بزرگی است اهورامزدا که ، این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید که شادی را برای بشر آفرید که خشایارشا را شاه کرد یگانه شاهی از بسیار ، یگانه فرمانروایی از بسیار.

منم خشایارشا شاه بزرگ ، شاه شاهان. شاه کشورهای که مردمان گوناگون را در بردارد.

شاه این سرزمین بزرگ پهناور، پسر داریوش شاه، پسر یک پارسی ، یک آریایی ار دودمان یک آریایی. به تایید اهورامزدا این کشورهای هستند که من پادشاهشان هستم . سوای فارس که بر آنها دست یافتم و پیش من باج می آورند.

آنچه به آنان از جانب من گفته میشد، انجام می دادند. قانونی را که از آن من بود، رعایت می کردند. مانند کشورهای ماد، عیلام، رنج، ارمنستان، سیستان، پارت، آریا، باختر، سغد، خوارزم، بابل، آشور، ستاگیه، شارد و مصر.

یونانیانی که در دریا زندگی می کنند و آنانکه آنسوی دریا بسر می برند مردمانی از مکه، عربستان، قندهار، سند، لاهه، سکاها، امیر جیا، سکاها، تیزخ و د، اسکودرا، اکوناکا، لیبی، حبشه و کاریا خشایارشا می گوید: هنگامی که من شاه شدم در یکی از سرزمینهایی که در بالا نوشته ام نافرمانی بود. پس مرا اهورامزدا کمک کرد به تایید اهورامزدا من آن کشور را در هم نوردیدم و آنان را به جای خود نشانیدم و در میان این کشورها جایی بود که پیش از من به دیوان نذر و نیاز می بردند. پس به یاری اهورامزدا من آن پرستشگاه دیوان را ویران کردم و با یک اخطار اعلام داشتم برای دیوان قربانی ننمایید. هر جا قبلا به دیوان نیاز برده می شد ، در همانجا بر طبق قانون اشا و آیین بهی اهورامزدا را ستایش کردند.

همچنین امور دیگری وجود داشت که نادرست بود، من آنرا درست کردم . اینها که من کردم همه را به تایید اهورامزدا انجام دادم . اهورامزدا به من کمک کرد تا آنرا به اتمام رسانیدم.

تو ممکن است اندیشه کنی ، که ای کاش در زندگی شاد باشم و پس از مرگ خجسته ، پس قانونی را که اهورامزدا فرمان داده است رفتار کن.

پیشینه تاریخی کوه البرز

ناحیه جنوبی شهر تاریخی بلخ موقعیتی دارد و برهان قاطع نیز موقعیت این کوه را بین ایران و هندوستان میداند. کوه البرز که در جنوب بلخ موقعیت دارد یکی از شاخه های سلسله کوه معروف هندوکش می باشد. باید یاد آور شد «البرز» که به نام مسمی شده است همچنان به نام «پهلوان» نیز یاد گردیده است که کنایه از مردم بلند قامت و دلاور باشد. البرز را چنین به نظم کشیده اند:

همی گفت رستم فرامرز را / که مشکن دل و بشکن «البرز» را

(حکیم نظامی)

چو گوه «البرز» آنکوه کاندرو سیمرخ / گرفت مسکن و با زال شد سخن گستر
(فرخی سیستانی)

گنهم محو کن بیامرزم / کز گرانی چو کوه البرزم

(حکیم سنایی غزنوی)

شاهان پیشدادی بلخی، همان گونه که با فر و ناز و شکوت شاهی در شهر زیبای بلخ آرام گرفته بودند، بدون شک این سلامت شاهی شان همسایه را نا آرام می ساخته و این ها را با دل و دیده روشن نگاه نمی کردند. این باعث می شود که پیشدادیان بلخی دارای دشمن باشند که این دشمنان همان توریا ها (توران ها) که از سلسله آریایی های بدون ماورای آمو و سر دریا اند همیشه با پیشدادیان در زد و خورد بوده اند. همین طور مردمان دیگری در نواحی مازندران و طبرستان زندگانی داشته اند که پیوسته در دسر شاهان پیشدادی بودند که به نام دیوهای مازندران مشهور اند که اوستا ایشان را به نام (دیوهای مازانا) یاد می کند. شاهان پاراداتا و کاوی همیشه با آن ها مصروف پیکار بوده اند. همچنان شاهان کیانی به خاطر تهاجمات تورانیان مجبور بوده اند مناطق صعب العبور دفاعی از خود داشته باشند. چون بلخ مرکز کیانیان و دارای فر و شکوه شهری بوده که دشمنان با چشم کین به سوی بلخ نگاه می کردند از همین باعث، (کوه البرز) که در جنوب بلخ موقعیت دارد لشکرگاه و قلعه نظامی و یا به صورت پناهگاه شاهان کیانی در آمده است. کوه البرز در اوستا به نام اوش دشتار (Oshdashtar) یاد گردیده که در فاصله سی کیلومتری جنوب بلخ موقعیت دارد و یکی از قله های آن بنام ازریفیه می نامند ریشه لغوی البرز، (هرابرازینتی) است که (کوه بلند) معنی میدهد. وقتی که بخواهیم از کوه البرز یاد کنیم می رویم به سراغ فرزانه فردوسی طوسی که چنین می سراید:

شوم با پسر سوی هندوستان

مر این را برم تا به البرز کوه

چو خرم ژیان سوی کوه بلند

ببرم پی از خاک جادوستان

شوم نا پدید از میان گروه

بیاورد فرزند را چون نوند

(البرزکوه) فردوسی که سوی هندوستان هست همین کوه البرز جنوب بلخ است که فعلا هم به نام (کوه البرز) یاد می گردد. این که فردوسی البرز کوه را آن سوی هند می دانسته درست است. فردوسی بزرگ در تعیین موقعیت جاهای تاریخی و مشترک موشکافانه و دقیق بوده است. بنابراین گفته فردوسی البرز کوه یا کوه بلند که آن سوی هندوستان موقعیت دارد همین کوه ناحیه جنوبی بلخ است. ضحاک ماردوش پس از کشتن جمشید شاه در جستجوی فرزند او فریدون می افتد که مادر او فرانک، دلبنش را نزد گاوبانی به دایگی گذاشته بود چون از

جان فرزندش بیمناک شده او را به سوی البرز کوه بلخ میبرد، زیرا که مازندران جای دیوان هست که جان همه در خطر می باشد. در داستان ها کیکاووس شاه بالای کوه البرز هفت قصر بنا کرد (جالب آنکه خودش در قصر البر کوه مازندران توسط دیوها اسیر شد که رستم دستان او را از بند رها ساخت و احتمال آن می رود که کیکاووس را به خاطر محافظت جانش به کوه بلخ آورده باشد زیرا که البرز کوه بلخ جایگاه امن و استوار بوده است (اهالی بلخ مشکهای آب را بالای مرکب های قشقه دار به البرز کوه بالا می بردند.

از: کامل انصاری

برگرفته از نشریه ره آورد

البرزکوهی است به ملک مازندران - همچنان نام کوهی است میان ایران و هندوستان. البرز از دو کلمه تشکیل شده است «ال» به معنی کوه باشد و «برز» به معنی بالا و بلند و بزرگ، که جمعا کوه بلند و یا کوه بزرگ را معنی می دهد. رشته کوه های شمالی ایران، یا به زبان دیگر این کوه قسمت های شمال ایران را از شرق به جانب غرب احاطه می کند. و قله معروف دماوند در آن قد برافراشته است.

دماوند (Dam-Avand) طوری که گفته اند بلندترین قله کوه در ایران است. قله دماوند ۵۷۶۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این سلسله جبال البرز در شمال شرقی ایران امتداد دارد. نا گفته نماند که دماوند را دماوند نیز یاد کرده اند. دماوند از



دو کلمه «وم» و «اوند» تشکیل یافته که به معنی «دمه، غبار» یا «مه و دود و بخار» میباشد که نظر به علامات آتشفشانی که در این قله دیده می شود. نام بامسمی است. کوه دماوند متعلق به دوره چهارم معرفه الارضی است که در دامنه های آن آب های گرم معدنی وجود دارد. از همه معروف تر آب گرم لاریجان است. دماوند را «دناوند» نیز متذکر شده اند و به فتح اول کوهی است در مازندران، که در استانهای باستانی آشیانه سیمرخ، آموزنده زال پدر رستم و حتی حامی آن پدر و پسر بوده است.

می رویم به سراغ کوه البرز یا

البرز کوه که در دو موقعیت جغرافیایی قرار گرفته است. یکی البرز کوه در ایران و دیگری البرز کوه در افغانستان و بنا بر استناد فرهنگ معین که میان ایران و هندوستان امتداد دارد. این سخن به حقیقت پیوسته است زیرا که کوه البرز در



نوروز را Nowruz بنویسیم

بنیان گرفته و زمان پیدایش آن به حدود ۱۰۰۰۰ سال قبل می‌رسد. این جشن در واقع جشن روئیدن گل و گیاه است و گرامی داشتن گل و بزرگداشت نوروز با هم بستگی دیرینه دارند. ایرانیان بر سفره ای که در نوروز می‌گسترده‌اند گل می‌نهادند.

واژه پردیس ریشه سانسکریت داشته و به مفهوم بهشت است که در متون انگلیسی همان واژه سانسکریت یعنی «Paradis» بکار برده می‌شده، و در تورات از پردیسهای ایران باستان صحبت رفته است. سپاهیان عصر باستان در سفرهای جنگلی که از راههای پارس - چین و باختر عبور کرده اند در سفرنامه های جنگلی خود از اینکه ایرانیان در دل بیابان بهشتهای زمینی آفریده اند با تحسین یاد کرده اند. سنگ نگاره های هخامنشی نشانگر روشن نظم هندسی باغهای ایرانی هستند و درختان راست قامت و موزون نقش برجسته‌ها، که از نظم نظامی و لشکری سبق می‌برند، هم‌ریشگی و همسانی پلانهای باغ و بنا را بیانگرند. با انقراض سلسله هخامنشی، ترکیب هندسی سراسر است و باغراها عمود بر هم، کرتها چهارگوش مستقل که هیچیک پس مانده کرتی دیگر نیست. باغها درکرت بندیهای دقیقی سامان گرفت و سراسر قرینه سازی شد، چون که طرح آن پیشاپیش در ایران روزگار هخامنشی (۳۰۰-۵۰۰ ق.م) توسعه جانانه یافته بود. با پردیسهای ساسانی (۶۰۰-۲۰۰ م)، باغ نقشه‌ای باشکوه به خود گرفت که طرحهای مندولوار و گوشکهایی در ملتقای چهار خیابان داشت. (طرح پارک یا «چارباغ» ساسانی بصورت چلیپایی بود که قصر حاکم در مرکزش قرار داشت. عین همین طرح را می‌توان در ظروف سفالی هخامنشی مشاهده کرد که نماد تریبعات چهارگانه عالمند.) آفریده های کوچک اندازه ایرانیان باستان، چون قالی بهارنمای افسانه‌یی خسروپرویز و ساختمان کوشک‌سان تخت طاقدیس، واقع میان یک درختزار، همچنین تکرار نماد درخت مقدس و نقشمایه و بشنن در آرایشهای دیواری بناهای تاریخی هخامنشی، اشکانی و ساسانی، ابقاگر تصور باغ و تعلق آدمی به طبیعت بود. برای دستیابی به ویژگیها و نامهای درختان و گلهای معمول در باغهای قدیم ایرانی، گذاری به دوره استقرار حکومت ساسانیان در ایران داریم. درباره گلهای باغهای ایرانی در دوره ساسانیان آقای فریدون جنیدی می‌نویسد: در میان فنونی که به زبان پهلوی از دوران باستان بر جای مانده است رساله کوچکی است به نام خسرو کوتان و ریدکی به معنی خسرو فرزند قباد، خسرو انوشیروان و پسر نوجوان که در گفتگویی میان این دو از ۲۲ نوع اسپرم خوشبو نام برده شده است. احداث چهار باغهای معروف ایران که در زمان ساسانیان متداول گردید در واقع نوع تکامل یافته پردیس محسوب

باغچه در حیاطها و دور و بر بناها علاقه خاصی داشته‌اند. شاید خاطره میهن اصلی و خاستگاه قوم آریا منشأ این علاقه بوده است. آنها باغچه‌هایی را که در اطراف بنا می‌ساختند «په اره دسه» می‌نامیدند که به معنای پیرامون دژ یا «دیس» بود. «دیس» یعنی بنا و کسی را که دیس می‌ساخت «دیس» یعنی بنا می‌نامیدند. فرمانروایان شهرهای داخل ایران یا شهرهای قلمرو شاهنشاهی ایران در خارج، همه ملزم به ساختن چنین باغچه‌هایی بوده‌اند. مثلاً یکی از این «په اره دسه‌ها» یا پردیسها در تخت جمشید بود که خشایارشا در هنگام برشمردن نام بناهایی که ساخته، از آن یاد کرده است. واژه پردیس به معنای بهشت در زبان عربی به فردوس و در زبانهای دیگر به پارادایز تبدیل شده است. خود بهشت یا «وهشت» «به معنای بهترین زندگی است و این بهشت به شکل باغی سرسبز و خرم و زیبا مجسم می‌شده است. ما برای این مفهوم واژه‌های جنت، فردوس، بهشت یا رضوان را بکار

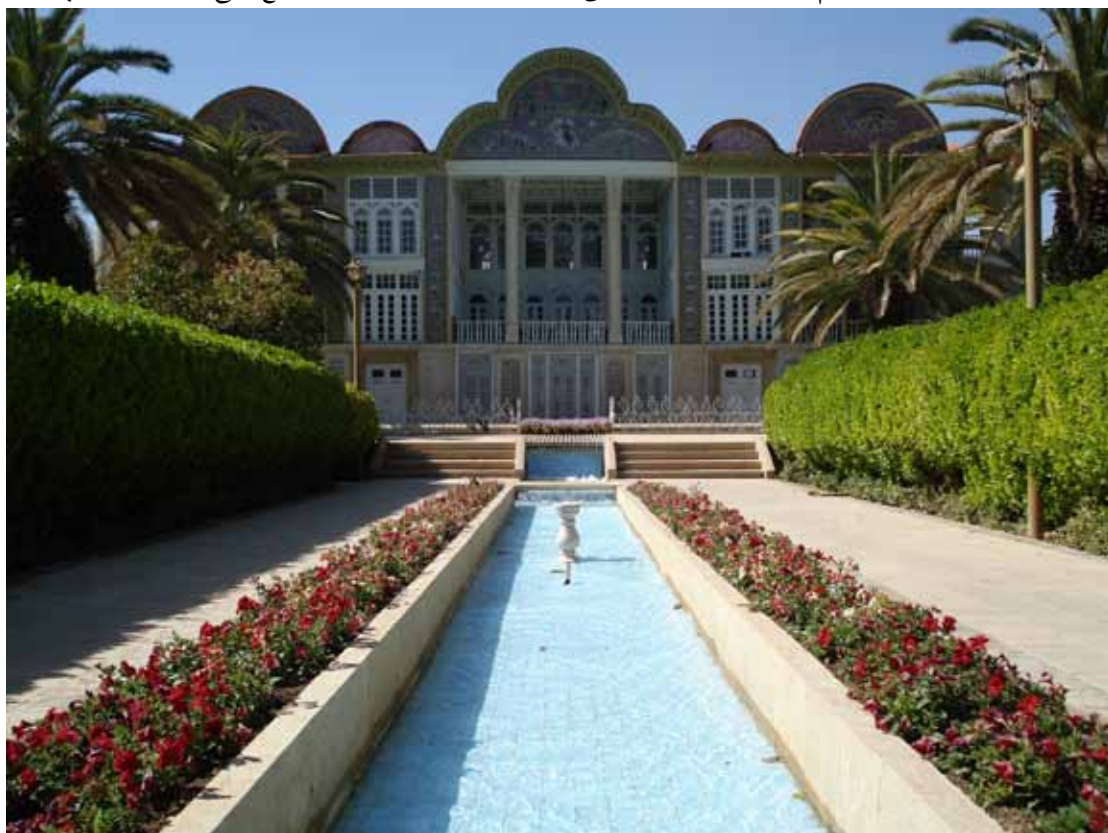
بطوری که از نوشته های مورخان یونانی بدست می‌آید نزدیک به ۳۰۰۰ سال پیش، پیرامون خانه‌های بیشتر ایرانیان را باغها احاطه کرده بودند و واژه پردیس به همان باغهای پیرامون خانه‌ها گفته می‌شده است. این شیوه بعداً برای سایر ملل نیز سرمشق شده و بدنبال آن این واژه فارسی به دوردستها رفته است. بطوری که امروزه در زبانهای یونانی و فرانسوی و سامی و دیگر زبانها نیز با تغییرات و دگرگونیهایی بکار برده می‌شود. علامه علی اکبر دهخدا درباره معنی واژه پردیس می‌نویسد: «پردیس لغتی است مأخوذ از زبان مادی (پارادئزا) به معنی باغ و بستان و از همین لغت است پالیز فارسی و فردوس (عرب) «این واژه که در اوستا دوبار بکار برده شده از دو جزء ترکیب یافته، یکی Pairi به معنی پیرامون و دیگری Daeza به معنی انباشتن و دیوارکشیدن بوده است که بر روی هم به معنای درختکاری و گلکاری پیرامون ساختمان می‌باشد. این واژه در پهلوی پالیز شده و در فارسی دری هم بکار

واژه باغ در گذر زمان

می‌بریم. در فارسی قدیم واژه پالیز هم به همین معنا بوده است. چنانکه فردوسی گفته است: «وز آنجا به پالیز بنهاد روی». در بهشت کوثر هست و درختان و گلها و جویبارها، و در باغ نیز آب روان خوش و گلهای زیبا و درختهایی که می‌توان در شایه آنها آرمید و این همه محصور در دیواری که مانع ورود جهنمیان به آن شود. آیین و کیش قدیم ایرانیان به کشاورزی و باغسازی اهمیت خاصی داده و آن را ستایش نموده است. باغ ایرانی در دوره پارسها و پارتها در ایران باستان به گل «اسپریم» یا «اسپرغم» می‌گفته اند و در آثار سده‌های نخستین هجری نیز این نام بسیار به کار رفته است. اقوامی که در سرزمین ایران می‌زیسته‌اند از دوران باستان گونه‌های بسیاری از درختان و گلها و سبزه‌ها را می‌شناخته و با گل پیوندی پایدار داشته‌اند و بزرگداشت نوروز که خود جشن پیشباز آمدن بهار و گل و سبزه است نشانگر آن است. جشن نوروز که از زمانهای دیرین به مناسبت بازگشت آفتاب به نقطه اعتدال و پیروزی کرما بر سرمای زمستان در سرزمین کهنسال ما برگزار می‌شده و در این زمان هم در سرتاسر فلات ایران با شکوه تمام برقرار است در اواخر دوره‌ای که به نام جمشید از آن یاد می‌شود



رفته است. در دوره هخامنشیان و بعد از آن در سرتاسر سرزمین ایران تعداد بیشماری باغهای بزرگ و باشکوه وجود داشته، این گونه باغها که در یونان آن روز وجود نداشت مردم آن سامان و دیگر کشورها را جالب نظر آمده و همان واژه فارسی را نیز بکار بردند. امروزه این واژه در زبان یونانی بصورت Paradeisos به معنی باغ، و در زبان فرانسه بصورت Paradis و در زبان انگلیسی بصورت Paradise به معنی بهشت بکار برده می‌شود. نام دیگر این فضای سرسبز و دل‌انگیز «باغ» است. باغ هم واژه‌ای فارسی است که در پهلوی و سغدی نیز به همین شکل Bagh بکار برده می‌شود. برخی باغ را مشترک در فارسی و تازی می‌دانند و بعضی نیز برآنند که این واژه در اصل تازی بوده و جمع آن را «بیغان» می‌آورند، حال آنکه این واژه قطعاً فارسی است و از فارسی به دیگر زبانها رفته است. ایرانیها از قدیم الایام به ساختن باغها و



هوشنگ مهر خداوندی

در بازی حرکت بسیار قوی و پیچیده را انجام می دهد. سفید اسب را با اسب می گیرد که بنظر نمی رسد حرکات بدی داشته باشد. بطور مثال اگر وزیر را به خانه E۲ برود سیاه با اسب پیاده A۲ را می گیرد و از لحاظ پیاده ای مساوی می شوند و با وضع بهتر برای سیاه و اگر وزیر را به خانه C۴ برود که سیاه با وزیر به A۵ می رود و فشار بیشتری وارد می کند. سیاه با وزیر رخ خانه C۱ را می گیرد. سفید با فیل وزیر را می گیرد و سیاه نیز با فیل DV وزیر سفید را می گیرد.

حال می بینید که فیشر جوان یک تفاوت ازلمباردی جلو می افتد. و اما حرکت ۱۶ حرکت اولیه این شروع بازی مهیج را به استحضار شما می رسانم تا بتوانید با انجام دادن آنها و تجزیه و تحلیل هر کدام از آنها بتوانید سطح بازی خود را به بالا ببرید و اگر به سوال و یا اشکالی و یا پیشنهادی بر خوردید لطفاً با مجله بصورت ایمیل و یا تلفن تماس بگیرید. البته کل این بازی در شماره آینده چاپ خواهد شد ولی چون ما در مرحله شروع بازی هستیم همان ۱۶ حرکت کافی بنظر می رسد.

را می گیرد. سفید با اسب پیاده را می گیرد و بدین ترتیب سفید دارای برتری یک پیاده می شود. سیاه اسب را با اسب می گیرد و سفید در حرکت ۱۲ با وزیر اسب را می گیرد. حرکت دوازدهم سیاه بردن وزیر به خانه C۷ می باشد. سیاه با این حرکت به ۲ هدف مهم خود دست می یابد. ۱- خارج کردن وزیر از خط وزیر سفید و ۲- آماده شدن برای بکار گرفتن رخ A۸. حرکت سیزدهم سفید بردن وزیر به خانه B۵ می باشد که بنظر درست نمی آید زیرا این حرکت ۲ اصل مهم شطرنج را انجام نمی دهد. ۱- گسترش ۲- حرکت دادن مهره های سنگین اگر مصرف شخصی وجود نداشته باشد. سیاه در جواب این حرکت سفید حرکت مطمئن و بسیار قوی C۸- DV را یعنی بردن فیل به خانه DV انجام می دهد. لطفاً حدود ۲ دقیقه به صفحه شطرنج نگاه کنید نکات بسیار مهم شطرنج که توسط هر بازیکنی بایستس انجام شود مشهود نمی باشد. سفید رخ A۱ را به خانه C۱ می برد تا بتواند از اسب C۲ محافظت نماید(سعی نکنید مهره های سبک را با مهره های سنگین محافظت کنید). بله درست حدس زدید سیاه با داشتن ابتکار

که از روند سیسیلی کمی بدور است. اگر خاطرتان باشد در سیسیلی سفید از طرف شاه حمله می کند و سیاه از طرف وزیر ولی بعد از C۲-C۴ جناح وزیر سفید کمی باز شده است حرکت ششم سیاه E۶-E۷ می باشد که آماده حمله می شود سیاه در آینده نزدیکی D۵-D۶ را انجام می دهد. حرکت هفتم سفید بردن اسب خانه B۱ به خانه C۲ می باشد سیاه با حرکت هفتم خود یعنی E۷-F۸ آماده قلعه رفتن می باشد البته حرکت زود هنگام D۶-D۵ باعث از دست دادن یک پیاده می شود. همانطور که ملاحظه کردید سفید با حرکت پنجم خود یعنی F۳-F۲ نشان می داد که می خواهد قلعه بزرگ را انجام دهد بدین منظور فیل خانه C۱ را به E۳ می برد. سیاه در حرکت هشتم خود حرکت مطمئن و آماده سازی قلعه را انجام می دهد که به دو خواسته خود می رسد ۱- محافظت از شاه و ۲- آزاد کردن رخ H۸. سفید در حرکت نهم خود اسب را به خانه C۲ می برد. اگر دقت کنید سیاه تقریباً از لحاظ گسترش بسیار وضع مطلوبی دارد. لذا حاضر است برای بدست گرفتن عملیات یک پیاده قربانی کند و اگر با فیشر آشنا باشیم ولی حرکات آرام را دوست ندارد و همواره آماده حمله کردن می باشد. حرکت نهم سفید نیز نمودار این طرز فکر است D۶-D۵ به سفید خبر یک بازی حمله ای را می دهد. حرکت معمول و بدون خطر بردن رخ به خانه E۸ می باشد. سفید قربانی سیاه یعنی پیاده D۵ را قبول می کند و صاحب برتری یک پیاده می شود که بنظر نویسنده بخاطر آماده نبودن مهره هایش چندان دل پسند نیست. سفید با پیاده C۴ پیاده D۵ را می گیرد و سیاه با E۶xD۵ پیاده سفید

دفاع سیسیلی C۷-C۵

دنباله بحث دفاع سیسیلی را با بهره گیری از بازیهای فیشر ادامه می دهیم. این بازی در سال ۱۹۶۰ بین فیشر و لمباردی lombardy انجام شده است. فیشر برآستی یکی از متخصصین این دفاع شناخته شده و صاحب نظر در این مورد می باشد. با دنبال کردن حرکات این نابغه شطرنج سطح بازی خود را به بالا می بریم. فیشر که در این بازی با مهره سیاه بازی می کند در جواب حرکت E۴-E۲ سفید حرکت E۵-E۷ را که یکی از دفاعهای حمله ای می باشد انتخاب می کند. استادان و قهرمانان شطرنج سعی می کردند که بامهره سفید از E۴-E۲ اجتناب کنند زیرا می دانستند که فیشر دفاع سیسیلی را بر می گزیند. حرکت دوم سفید بردن اسب خانه G۱ به خانه F۳ می باشد که با این کار دو نتیجه می گیرد. ۱- شروع به گسترش و ۲- در جریان انداختن مهره ها.

حرکت دوم سیاه D۶-D۷ می باشد که یکی دیگر از شاخه های این دفاع می باشد. سفید با D۴-D۲ ادامه می دهد با این کار سفید سعی در کنترل مرکز دارد و همچنین راه های ۲ فیل خود را باز می کند. سیاه در حرکت بعد پیاده D۴ را می گیرد و سفید با اسب پیاده سیاه را بدست می آورد. سیاه به گسترش خود ادامه می دهد یعنی اسب شاه را به خانه F۶ می برد سفید بجای حرکت معمول B۱-C۳ حرکت F۳-F۲ را برای محافظت پیاده E۴ انجام می دهد. سیاه اسب خود را به خانه C۶ میبرد. حرکت ششم سفید C۴-C۲ می باشد

	سفید	سیاه	سفید	سیاه
1	E2-E4	C7-C5	9	D4-C2
2	G1-F3	D7-D6	10	C4xD5
3	D2-D4	C5xD4	11	C3xD5
4	F3-D4	G8-F6	12	D1xD5
5	F2-F3	B8-C6	13	D5-B5
6	C2-C4	E7-E6	14	A1-C1
7	B1-C3	F8-E7	15	C2xB4
8	C1-E3	O - O	16	E3xC1

خجسته زادروز اشوزرتشت فرخنده باد

پیشوایی چون زرتشت اسپنتمان زاده شده است. از این پس دین نیک و پاک مزدیسنی بر هفت کشور زمین گسترش خواهد یافت.»

بنابراین می بینیم که اشوزرتشت، با زادن و بالیدن خود در آغاز بهار چگونه با شکوه مینوی خود بر زیبایی های طبیعی این جشن افزود.

اشوزرتشت در روز خورداد و فروردین ماه، چشم به جهان گشود. از روزگاران کهن این روز خجسته در نزد ایرانیان، روزی بزرگ و فرخنده بشمار آمده و به روایتی در چنین روزی، بسیاری از رویدادهای نیک و سرنوشت ساز رویداده و از اینروست که ششم فروردین را نوروز بزرگ خوانند. در یکی از کهن ترین ادبیات مزدیسنی (فروردین یشت) چنین آمده است:

« از زادن و بالیدن آبها و گیاه ها شکفتند، از زادنش و بالیدنش همه آفریدگان افزاینده جهان با آواز بلند و فریاد شادی گفتند خوشا به ما که



کتابهایی که در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به فروش میرسد

- آموزش زرتشت، پیامبر ایران از تهمورس ستا
- در جستجوی راستیها به کوشش فرنگیس کیخسرو شاهرخ
- یاران هستی از برهان ابن یوسف
- ضرب المثلها و ادبیات برگزیده فارسی از اختر شجاع زادگان
- پیام زرتشت از دکتر جعفری
- سگات ها، سروده های اهورایی زرتشت از دکتر خسرو خزایی (پردیس)
- شاخ سخن از مهین بانو ترکمان اسدی
- فرورانه از دکتر جعفری
- بیست و یک نوشتار پژوهشی از اردشیر جهانیان
- سوادآموزی و دبیری در دین زرتشت
- بر ما چه گذشت از جمشید پیشدادی
- واژه های پارسی برای پارسی زبانان از دکتر زرتشت آزادی

سی دی هایی که به فروش میرسد

- موسیقی و کلام زرتشتی از سیروس جهانی
- تاریخ گویای دوران باستان، شاهنامه و تاریخ به کوشش مهندس امینی سام
- آمداد- سرود جشنهای ایرانیان از خداد کاویانی
- پُر سور از گروه سگات ها- کانادا
- نماز- نیایش های سرزمین اهورایی

تلفن و یا نشانی الکترونیکی برای سفارش

714 - 893 - 4737

Info@CZC.org

دشت لاله های واژگون الیگودرز، قطعه ای از بهشت در روی زمین

روید. همه ساله و در فصل بهار با رویش میلیون ها قطعه گل لاله واژگون در درشت دالایی شهرستان الیگودرز، این منطقه کوهستانی با طبیعت زیبا به قطعه ای از بهشت در روی زمین تبدیل میشود. این با دو هزار و ۹۰۰ هکتار وسعت در یکی از ارتفاعات منطقه حفاظت شده اشترانکوه قرار دارد.



قرار گرفتن این دشت زیبا در ارتفاعات اشترانکوه و احاطه شدن توسط کوه های دیگری همچون مورزرین، قالی کوه، شاه کول و نساختخت، زیبایی آنرا صد چندان کرده است.

در این دشت زیبا و منحصر بفرد دو نوع نادر از گل های لاله واژگون به نام های «سوسن چلچراغ» و «اشک مریم» با ارتفاعی بالغ بر ۱۲۰ سانتی متر می



شناسایی کهن ترین دست نوشته

جهان در هلیل رود جیرفت

باستان شناسان کهن ترین دست نوشته جهان را در هلیل رود جیرفت کشف کردند. این دست نوشته در یکی از بخشهای منطقه تاریخی هلیل رود بر روی یک تکه خشت پخته می باشد. این خط از شکل های هندسی درست شده است یوسف مجید زاده سرپرست گروه گفت: بنظر کارشناسان تاکنون کهن ترین نوشته پیش از کشف این خط، در عیلام بوده و از خط های سر کج و هیروگلیف بوده اند. بنظر باستان شناسان میان خط پیدا شده در جیرفت و خط عیلامی نزدیکی هایی دیده می شود. و با نگرش به پیشینه تاریخی یادمان های بدست آمده در جیرفت که کهن تر از عیلام می باشند. خط عیلامی از جیرفت به عیلام رفته و در آنجا دگرگون شده است.

باستان شناسان در جیرفت، همچنین یادمانهایی در پیوند با سه هزار سال پیش از میلاد مسیح بدست آورده اند، که نشاندهنده تمدن درخشان مردم در این بخش از ایران می باشد.

کشف کارگاه شراب سازی دوران ساسانیان

گروه باستان شناسان ایرانی - لهستانی در پشت سد تنگاب، در فیروز آباد فارس آثار کارگاههای شراب سازی دوران ساسانیان را بدست آوردند. حسین توفیقیان سرپرست گروه کاوش گفت: در ساختمان این کارگاه از سنگ و گچ استفاده شده است، و این کارگاه از سه بخش گوناگون درست شده بود یکی از بخشها ویژه خشک کردن انگور ها و بخشی دیگر برای افشردن آب انگورها و بخش سوم برای ذخیره شرابها. سرپرست گروه گفت که این مرکز شراب سازی در زمینی به گسترش ۷ هکتار بر پا شده بود. بخشی از این یادمان تاریخی، هنگام جاده سازی پشت سد تنگاب، از میان رفته است. کاوشها در دیگر بخش ها که هنوز زیر آب نرفته اند انجام شده است. آثار تاکستان هایی در ۲۰ کیلومتری این مرکز شراب سازی بدست آمده است. این مرکز نزدیک شهر باستانی گورنخستین جایگاه ساسانیان می باشد دو سال پیش کهن ترین کارگاه شراب سازی جهان، در منطقه حاجی فیروز تپه در کوههای زاگرس کشف شد. که مربوط به ۵۰۰۰ تا ۵۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می باشد. ولی حکومت جمهوری اسلامی از آن بنام مرکز سرکه سازی در هفت هزار سال پیش نام برد!

بخشی از کاخ ساسانی کوشک اردشیر در دشتستان فروریخت

کاخ اردشیر در فیروزآباد دارد. این کاخ از سنگ های نه چندان هموار که با ساروج به یک دیگر چسبیده اند ساخته شده است. زیر بنای کوشک به صورت صلیب بوده و بنا دارای طاق های گهواره ای شکل است. در قسمت بالای کوشک ستون سنگی ایی مانند آتشدان دیده میشود که احتمالاً برای افروختن آتش، خبررسانی یا دیده بانی بوده است.

این بنا که در تنگ ارم واقع شده به احتمال زیاد جای استراحت و محلی برای شکار در دشت پُر بوده است. براساس باورهای عامیانه مردم دشتستان این بنا آرامگاه و مکان نگهداری استخوانهای اردشیر، شاهنشاه ساسانی بوده است.



ریزش و شکافتن کلی طاق ها به طور کامل وجود دارد.»

این شگفت انگیز است که کشورهای اروپایی و خاور دور با میانگین بارندگی دهها و حتا صد برابر ایران، آثار باستانی اشان مور تهدید قرار نمیگیرند، ولی ایران، یک کشور خشک و بی آب متهم اصلی نابودی میراث فرهنگی اش «آب و باران» شناخته میشود - و این «آب و باران ضد ایرانی» یکروز تخت جمشید را در خود غوطه ور میسازد و روز دگر طاقهای کاخ ساسانی را از هم می پاشاند، و شگفت آورتر آنکه مسئولان متعهد، مومن، دلسوز و خدوم در نابودیهای میراث فرهنگی کشور هیچ نقشی نداشته و از هر گناهی مبرا میباشند.

کاخ کوچک کوشک اردشیر بازمانده ای از دوره ساسانی است، که همانندی بسیار با

دشتستان با توجه به دارا بودن بیشترین و بی نظیرترین جاذبه های گردشگری و تاریخی آن، در استان معرفی نشده و توجه به جاذبه های گردشگری آن از سوی مسئولان گردشگری استان مورد بی توجهی و بی مهری شدید قرار گرفته است.»

محمد کاظم موسوی افزود: «به دلیل بی توجهی و عدم ساماندهی این بنای تاریخی با قدمت کهن در حال نابودی و تخریب است که باید فکری اساسی شود.»

عضو انجمن میراث فرهنگی استان بوشهر نیز تصریح کرد: «رسوخ آب باران و رطوبت زمینهای کشاورزی اطراف بنا موجب ریزش پی در پی و شکافهای عمیق در سطوح مختلف این مجموعه شده است. ایمان اعظم تصریح کرد: «در صورت بارش شدید و ادامه این روند احتمال

بخشهایی از سردر بها و طاق های اصلی کاخ ساسانی کوشک اردشیر از هم جدا شد و فروریخت.

معاون عمرانی فرماندار دشتستان در این بازدید گفت: این بنا و اثر یکی از آثار مهم ثبت شده و ملی در سطح کشور است.

کرووش دهقانی افزود: از مدیریت میراث فرهنگی و گردشگری استان بوشهر و مجموعه آنها نسبت به آثار تاریخی و باستانی شهرستان ناامید هستیم.

وی بیان داشت: هیچ آمیدی به ساماندهی میراث فرهنگی دشتستان نیست و مجموعه تاریخی و باستانی دشتستان در سطح استان بوشهر در حال نابودی و فراموشی است.

بازرس ویژه گردشگری و ستاد تسهیلات سفر استان بوشهر در دشتستان نیز در این ارتباط اظهار داشت: «شهرستان



گل شراب

از: مهدی سهیلی

سخن بگو، سخن بگو
 تو ای بهار آرزو
 کیوتر لبان تو، پیام عشق می دهد.
 من از شکوفه ی لبت، گل شراب چیده ام.
 به سینه ی سپید تو، بلور ناب دیده ام.
 تو چون نگاه می کنی -
 ز هر گل نگاه تو، دلم چو باغ می شود.
 ز تابش ستاره های چشم تو -
 وجود من -
 شبان تیره ی دلم -
 پر از چراغ می شود.

•

شراب نور می چکد ز ساغر دهان تو
 بخند، تا که بنگرم دمیدن سپیده را
 گل سپیده میدمد زخنده ی لبان تو
 بخند، تا نشان دهی گل سحر دمیده را

•

دهان بخنده باز کن
 که بنگرم دمیدن ستاره را
 بلورهای خوش تراش در کنار هم نشسته را
 بخند، ای طنین خنده ات سرود زندگی
 سپهر پر ستاره کن لبان نیم بسته را

•

امان ز چشمهای تو
 که ساغر دل مرا پر از شراب می کند.
 و نور شانه های تو
 شب مرا پر از صفای ماهتاب می کند.

•

لبان گرم بوسه ام -
 چو میخزد به سینه ی سپید تو -
 ز جرعه جرعه بوسه ها -
 سیاه مست می شوم
 چو گوی های نور را -
 دو جام پر شراب را
 دو میوه ی بهشت را -
 دو ساغر بلور را -
 میان سینه ی تو بنگرم -
 هوا پرست می شوم.

•

بمن بگو، فرشته ی بهشت من
 میان سینه ات چرا -
 نهفته ای ستاره های سر نوشت من؟

•

سخن بگو، سخن بگو!
 مرا چه مست می کند لبان تو
 به دختر لبان خود مگر شراب داده ای؟

می است یا لبست این؟
 ز مستی لبت بمن صفای خواب داده ای.

•
 چه مست می کنی مرا؟
 دلم ز تاب می رود
 بزیر پوستهای من -
 شراب بوسه های تو -
 چه با شتاب می دود
 بلور خوش تراش من!
 بنور بوسه های خود -
 شب مرا پر از ستاره کن
 به لاله های گوش خود -
 نگین بوسه مرا، بجای گوشواره کن.

•
 تویی چو شاخ نسترن
 که از نسیم نغمه ای بکام رقص می روی
 به پیکر لطیف خود هزار تاب می دهی
 چو پی بری به پرسش نگاه من
 به بوسه ی آتشین، بمن جواب می دهی

•
 چه روزها -
 چه ماهها -
 به بوسه ی نگاهها
 به چال گونه های تو، بسی نگین نشانده
 ام
 نیاز عاشقانه را -
 و عشق شاعرانه را -
 ببین کجا رسانده ام

•
 چو پنجه های خویش را
 میان گیسوان تو فرو کنم -
 امید در دلم جوانه می زند
 چو می روی به ناز، از کنار من -
 غم تو بر امید، تازیانه می زند

•
 چه خوب آمدی، بیا
 مرا چه گرم می کند پیام دستهای تو.
 بیا بیا که من ز باغ انتظار -
 گل امید، دانه دانه چیده ام برای تو

•
 چو پای می نهی درون خانه ام -
 فضای خانه ی مرا پر از بهار می کنی
 چو نرم می خزی میان بسترم
 درون بستر مرا -
 ز گلین وجود خود -
 شکوفه بار می کنی

•
 مرو، مرو، امید من!
 بمان، بمان، کیوتر سفید من!
 ز باغ پر گل تنت، دل مرا بهار کن.
 درون بستر مرا -
 از اینهمه شکوفه ها
 شبی شکوفه بار کن



شراب سپهری

از دفتر «ماهیچ، مانگاه»

ای عبور ظریف!
 بال را معنی کن

تا پر هوش من از حسادت بسوزد.

ای حیات شدید!
 ریشه های تو از مهلت نور
 آب می نوشد.
 آدمی زاد- این حجم غمناک-
 روی پاشویه وقت
 روز سرشاری حوض را خواب می بیند.

ای کمی رفته بالاتر از واقعیت!
 با تکان لطیف غریزه
 ارث تاریک اشکال از بال های تو می ریزد.
 عصمت گیج پرواز
 مثل یک خط مغلق
 در شیار فضا رمز می باشد.
 من
 وارث نقش فرش زمینم
 و همه انحنای این حوضخانه،

شکل آن کاسه مس
 هم سفره بوده با من
 از زمین های زبر غریزی
 تا تراشیدگی های وجدان امروز.

ای نگاه تحرک!
 حجم انگشت تکرار
 روزن التهاب مرا بست:
 پیش از این در لب سیب
 دست من شعله ور می شد.
 پیش از این یعنی
 روزگاری که انسان از اقوام یک شاخه بود.
 روزگاری که در سایه برگ ادراک
 روی پلک درشت بشارت
 خواب شیرینی از هوش می رفت،
 از تماشای سوی ستاره
 خون انسان پر از شمش اشراق می شد.

ای حضور پریروز بدوی!

ای که با یک پرش از سر شاخه تا خاک
 حرمت زندگی را
 طرح می ریزی!
 من پس از رفتن تو لب شط
 بانگ پاهای تند عطش را
 می شنیدم.
 بال حاضر جواب تو
 از سوال فضا پیش می افتد.
 آدمی زاد طومار طولانی انتظار است،
 ای پرنده، ولی تو
 خال یک نقطه در صفحه ارتجال حیاتی.

نوروز را Nowruz بنویسیم

این دیگر سخن پارسی گویان نیست!

آن، این زبان بی‌زبان را از اینهمه گرفتاری که بدست و پای آن تنیده اند، رهانید. در این زمینه پرسش پارسی‌گویان اینست: آیا بهتر نمی‌باشد که در گفتار و در نوشتارمان، برتری را به واژه‌های پارسی بدهیم و در جایی که در برابر واژه‌های بیگانه، به ویژه تازی، واژه‌های زیبای پارسی داریم، از آنها سود ببریم؟ با در پیش گرفتن این روش، با یک تیر دو نشان خواهیم زد. نخست اینکه با به کار بردن واژه‌های زیبای پارسی، آنها را بهتر و بیشتر شناسانیده و جا می‌اندازیم. دو دیگر اینکه در نوشتن، کمتر نادرست

می‌نویسیم و به ویژه برای نوآموزان یادگیری زبان را ساده می‌کنیم. برای نمونه اگر به جای «صبح» بنویسیم «بامداد»، یا به جای «صورت» بنویسیم «چهره» یا «رو»، هیچ کس «بامداد»، «چهره» و «رو» را نادرست نمی‌نویسد. زیرا نمی‌شود آنها را نادرست نوشت. بدینگونه

هم واژه‌های «بامداد»، «چهره» و «رو» که پارسی هستند، بیشتر به چشم‌ها می‌خورند و جا می‌افتند و هم در نوشتن لغزشی رخ نمی‌دهد. و به ویژه کسی که می‌خواهد زبان پارسی را یاد بگیرد، دلسرد

نمی‌شود. از این دست واژه‌ها و نمونه‌ها سدها (صدها) و سدها داریم. برای آسان کردن کار، بهترین راه اینست که از همان آغاز، آن هشت وات (یا حرف) تازی، (ث. ح. ص. ض. ط. ظ. ع. ق.) را بهیچ روی آموزش ندهیم و به همان ۲۸ وات پارسی بسنده کرده و خواسته‌هایمان را با واژه‌های شیرین پارسی بنویسیم، و با آنها سخن بگوییم و دست «گدایی» به سوی بیگانگان دراز نکنیم که به این رنج‌ها (مصیبت‌ها) گرفتار نیایم؟

آن واژه‌های عربی را بگذاریم برای کمی دیرتر، پس از اینکه خواندن و نوشتن را بخوبی آموختیم، در سال‌های پایانی دبستان، در دبیرستان و در دانشگاه‌ها. آنهم برای اینکه نوشته‌های بزرگانی مانند «سعدی»، «حافظ» و ... دیگران را بتوانیم بخوانیم و از فرهنگ والایمان به دور نیفتیم!

و این سروده‌ای است در این زمینه از دکتر امیرجاهد گرامی:
هشت وات است، آنکه اندر پارسی باشد، گزاف
ثا و حا و طا و ظا و طین و ظین و عین و قاف
چهار وات است، از نژاد پاک پارسی
واژگانی برگزیده؛ پ و چ و ژ و گاف

سکه‌های ساسانیان در سوئد

باستانشناسان سوئدی ۴۵۰ سکه نقره ای دوران وایکینگ ها را در نزدیکی فرودگاه آرلندا شهر استکهلم بدست آوردند. بیشتر این سکه ها از سکه های دوران ساسانیان و سکه هایی است که در بغداد و دمشق و شمال آفریقا برای داد و ستد میان مردم جاری بوده و تادوران خلفای اسلام می رسد.



من در درازای این سال‌ها، همیشه و همیشه در پی آگاه کردن مردم و به ویژه جوانان ایرانی بوده‌ام و هرگاه که بلندگویی به دستم رسیده، درباره زبان شیرین پارسی و زبان استاد سخن، فردوسی بزرگ، گفته و گفته‌ام. و می‌باید یادآور شوم که من، رهروی کوچک راه بزرگانی مانند ابوسعیدبالخیرها، یعقوب لیث‌ها، پورداودها، ذبیح بهروزها، احمد کسروی‌ها، کورش آریامنش‌ها، دکتر علی‌اکبر جعفری‌ها، دکتر امیرجاهدها و ... دیگران هستم، که آنان در این راه تلاش‌های کلانی کرده‌اند ولی با همه اینها هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم. بدینگونه است که به باور من هر چه در این زمینه گفته و شنیده و نوشته و خوانده شود، باز هم کم است.

آنچه که در اینجا می‌خوانید، رونوشت نوشته‌ای است که در کیهان چاپ لندن، به شماره ۱۴۶۳ در بخش «پست کیهان، پیام و پاسخ» چاپ شده است که من آن را در اینجا واژه به واژه می‌آورم. می‌باید بگویم که این دیگر سخن هواداران پارسی‌گویی نیست، این فریاد یک ایرانی است. که نوشته:

«واقعاً چطور می‌شد که ماها تونستیم دیکته یاد بگیریم؟ ما واسه‌ی صداهای کاملاً مشابه، حروف مختلف داریم.

برای این صدا ۲ تا حرف داریم: ت، (طین)؛

برای این صدا ۲ تا حرف داریم: ه، ح (حا)؛

برای این صدا ۲ تا حرف داریم: ق، خ (قاف، غین)؛

برای این صدا ۲ تا حرف داریم: ع، ا (عین)؛

برای این صدا ۳ تا حرف داریم: ث، س، ص (ثا، سین، صاد)؛

و برای این صدا ۴ تا حرف داریم: ز، ذ، ض، ظ (زا، ذال، ضین، ظاد).

این یعنی:

«شیشه» را نمی‌شود غلط نوشت.

«دوغ» رو می‌شه ۱ جور غلط نوشت.

«غلط» رو می‌شه ۴ جور غلط نوشت.

«دست» رو می‌شه ۵ جور غلط نوشت.

«اینترنت» رو می‌شه ۷ جور غلط نوشت.

«سزاوار» رو می‌شه ۱۱ جور غلط نوشت.

«زلزله» رو می‌شه ۱۵ جور غلط نوشت.

«ستیز» رو می‌شه ۲۳ جور غلط نوشت.

«احتضار» رو می‌شه ۳۱ جور غلط نوشت.

«استحقاق» رو می‌شه ۹۵ جور غلط نوشت.

و «اهتزاز» رو می‌شه ۱۲۶ جور غلط نوشت!

واغتن چتوری شد که ماها طونصطیم دیکته یاد بگیریم؟

ارسالی: صطاره ثیططانی

پستچی: راصطش نمی‌دانم چی ارز کنم

این نوشته یک هم میهن است از درد و رنج‌هایی که هر یک از ما، برای یادگرفتن زبان فارسی بر خود هموار کرده‌ایم.

سخن این هم میهن گرامی بسیار درست است. و این جای شگفتی دارد که اگر یک ایرانی بتواند نوشته ای

را سد درسد (صددرصد) درست یا به گفته‌ای بی‌«غلط» بنویسد.

آه! به کسی برنخورد. می‌دانم هستند کسانی

که از انجام این بزرگ برمی‌آیند ولی شمارشان به اندازه‌ای کم است که می‌باید آنان را جز دانشمندان شمرد.

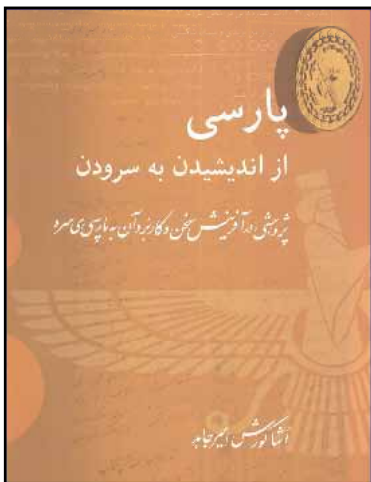
بهرروی این دشواری بزرگ و بسیاری نابسامانی‌های دیگر در زبان فارسی هست که می‌باید

در پی از میان بردن آنها بود. بدبختانه در این دوره دست‌اندرکاران اداره‌ی سرزمین، نه تنها در پی زدودن این نابسامانی‌ها نیستند، که با بیشتر روی آوردن به زبان عربی، که به دید آنان زبان قرآن است و

می‌بایستی گسترش پیدا کند، نابسامانی‌های دیگری هم بر آنچه داشتیم افزوده‌اند و بدینگونه

آشفته‌گی‌های این زبان، از اندازه بیرون شده است.

دلسوختگان و دلبستگان به فرهنگ ایران‌زمین و زبان پارسی را باور بر اینست که می‌باید کاری کرد و از هم امروز پایه‌ی برنامه‌ای درست را ریخت که در فردای آزادی سرزمین‌مان، از چنگال این نابخردان و دشمنان سوگند خورده‌ی ایران، بشود با پیاده کردن



پارسی

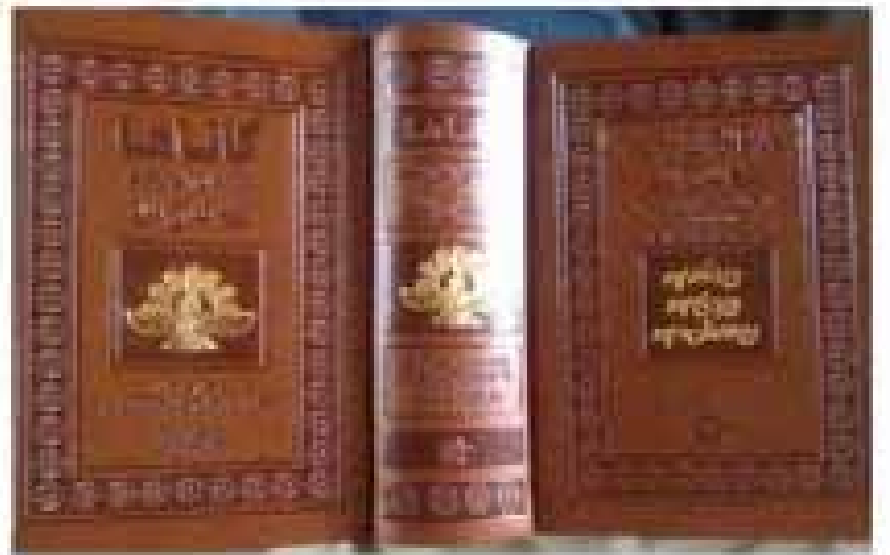
سخن پارسی گزینش اوست
پارسی رهگشای بینش اوست

آنکه ایرانی است و میهن دوست
گر زتازیگری رها گردد

در این رزم اهریمن خیره سر
که باشد ترا پای پیکارگر
ز هر تیغ برنده برنده تر
خرد ورز و بینشور و دادگر
به ایران دهی سازمانی دگر
به شیرو به خورشید رخشنده فر
پارسی از اندیشیدن به سرودن

تو ای پور ایران پیروزگر
ترا دست روزی بود کارگر
زبان سخن گفتن پارسی
که پیروزمندانه رزم آوری
براندازی آیین نا بخردی
که ایران زمین باز یابد شکوه
پارسی از اندیشیدن به سرودن

پژوهشی از دکتر امیرجاهد در پارسی سره برای دوستاران پارسی پاک
در این پژوهش بنیاد های زبان شناسی، انگاره ی نوین پیدایش سخن، دستور زبان
پارسی سره بی واژگان تازی، شناخت پارسی از نا پارسی، روش های پارسی گویی
و پارسی نویسی، و بررسی سنجشگرانه ی سرودگان پارسی از گزیده سخنسرایان
باستان و همزمانان گرد آمده است. دوستاران پارسی سره میتوانند آن را از شرکت
کتاب در لوس آنجلس ketab.com و یا از amazon.com خریداری نمایند.



« کتاب گاتها »

سخنان اندیشه بر انگیز اشوزرتشت
ترجمه و تفسیر: دکتر آبتین سامانفر
با جلد زرگوب منتشر شد.

برای سفارش با مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

۷۱۴ ۸۹۳ ۴۷۳۷

تماس بگیرید

EZZATI | LAW P.C.

Result Driven With a Commitment to Putting Clients First



Hormuzd H. Ezzati, Esq.
CA Realtor-Broker #01896572

- Family based petitions/Visas
- H-1B specialty occupation Visas
- L-1 intra-company transferee Visas
- E-2 investor Visas
- Business plan preparation
- Incorporation of entities
- EB-5 immigrant investor based Green Cards
- Deportation and Removal Hearings
- Judgment Collections
- Business Transactions

As a Real Estate Broker
I can help you purchase/ lease your home or office

For a *free initial* case evaluation contact:

c: 310-801-1975 | f: 949-528-3780 | e: henry@ezzatilaw.com

Office Languages: Farsi, English, Armenian, Arabic, Russian, conversant in Gujrati/Dari

www.ezzatilaw.com



Avicenna
Accounting & Tax Services
*The Best Public Accounting
& Tax Services Firm*

- Preparation corporate & individual tax
- Preparing & reviewing income statement
- Preparing & reviewing balance sheet
- Auditing
- Preparation of financial forecasts
- Preparation of financial projection plan

8500 Leesburg Pike, Suite #203, Vienna, VA 22182
Telephone: (703) 448-6655
Fax: (703) 448-6656
www.aviact.com
email: info@aviact.com



ZOROASTRIAN SPORTS COMMITTEE

is pleased to announce

The 14th Z Games

July 2-6, 2014

Cal State Dominguez Hills
Los Angeles, CA, USA

**ONLINE REGISTRATION
OPENS
FEBRUARY 22**

www.zathletics.com | zsc@fezana.org
FOR UP TO THE MINUTE DETAILS, FOLLOW US ON SOCIAL MEDIA



@ZSports



@ZSports



ZSC



آرمین غیبی

مشاور املاک شما

SCAN HERE with smartphone
For a peek inside, property
details, price & more



<http://arminghaiby.kwrealty.com>
arminghaiby@kwrealty.com



Office: (949) 282- 0088
Cell: (949) 266- 6565



Bahram Irani
Real Estate Consultant

بهرام ایرانی

مشاور شما در املاک
جهت خرید یا فروش هر گونه
املاک مسکونی، تجاری یا زمین
با بهترین خدمات



If you are looking to buy a house or if you want to
sell your house, enjoy our best services.

Tel: (818)645-3134

E-mail: BAHIRANI@yahoo.com

California Zoroastrian Center is Proud to be a Sponsor for this event

**California Zoroastrian Center
is Proud to be a Sponsor for this event**



The Persian Community Group of Orange County cordially invites you to attend and celebrate the first Persian New Year (NowRuz) Festival in Orange County on Sunday, March 23, 2014, from 1pm to 5pm, at the Rose Garden (Bill Barber Community Park) adjacent to the Irvine Civic Center. At this event, you will meet Persian organizations, their members at large, as well as our community leaders. Best of all, you will experience a taste of the rich Persian culture. There will be Persian tea and pastries, food, music and dances by young performers. About The Persian Community Group: The Persian Community Group is a coalition of several Non-Profit Organizations promoting the rich culture of Persia in Orange County. The Group's Programs include: Persian

New Year (Nowruz) Proclamation Ceremony at City of Irvine, Nowruz Banners on the streets of City of Irvine, Persian New Year Festival at Bill Barber Community Park and assisting with Sizdah Bedar celebration at Mason Park and with Mehregan celebration.

- Association of Iranian-American Seniors
- Bowers Museum Persian Arts Council
- California Zoroastrian Center
- Iranian American Bar Association
- Iranian American Medical Doctors
- Iranian American Society of Engineers and Architects (IASEA)
- Iranian American Woman Foundation (IAWF)
- Iranian Cultural Center of Orange County (ICCO)
- Irvine Iranian Parents Association (IIPA)
- Khayam Persian School Foundation (KPSF)
- Network of Iranian American Professionals of Orange County (NIPOC)
- Samuel Jordan Center for Persian Studies, UCI
- Strategic Business Group (SBG)

Iran promoting tourist attractions at Belgrade fair



Iran is participating in the 36th edition of the ongoing International Tourism Fair in Belgrade, presenting a selection of its tourist attractions for the first time.

Organized by Iran's embassy in Belgrade, a variety of Persian handicrafts and images of Iran's historical monuments have been put on display in Iran's pavilion at the fair, the Persian service of IRNA reported on Friday. Moreover, a selection of documentaries about Iran is also being screened in the pavilion making the visitors more familiar with Iran and its scenic beauty.

Speaking in the opening ceremony, Fair Director Nikola Andric regarded Iran's participation in the fair as a good opportunity to develop tourism cooperation between the two countries and providing a basis for more economic collaboration. He added that the fair helps Iran's tourist agencies to become more familiar with tourist agencies in his country.

A total of 1000 participants from 54 countries and nine new countries including Argentina, Algeria, Albania, United Arab Emirate (UAE), Abu Dhabi, Malaysia, Iran, India, Portugal and Romania are promoting their tourism offers for the first time in Belgrade.

The Belgrade Tourism Fair is ranked as the largest tourist event in the country and southeast Europe. Upholding international business standards for more than 30 years, it has created partner relationships with its exhibitors, offering a variety of quality activities and attracting a huge number of exhibitors every year.

The fair, which opened on February 27, will be running until March 2.

Source – Mehr News Agency

Iranian cultural festival kicks off in Sarajevo

Iran's cultural festival has opened in the capital city of Bosnia and Herzegovina, Sarajevo, to introduce Persian heritage and variety of its national treasure.

Organized by Iran's cultural office in Belgrade, the festival began its program today on March 10.

Many various Persian art pieces created by Iranian artists have been presented at the five-day event.

The displayed works represent Iranian calligraphy, painting, woodcarvings, carpet weaving, inlaid, illumination and enamel.

Traditional Iranian music, screening of movies are also to be presented during the festival.

A number of photos depicting Iranian tourist attractions, cultural products and books will be also showcased on the sidelines of the festival.

Several Iranian TV series and cinematic productions have been aired by Sarajevo TV during recent years.

Source - Press TV



INTERNATIONAL SOCIETY
for IRANIAN STUDIES
انجمن بین المللی ایران شناسی

The International Society for Iranian Studies offers Lifetime Achievement, Book and Dissertation Awards. Nominations may be made using the ISIS website. For a list of the awards please consult <http://www.iranianstudies.com/awards> For descriptions of each award and online nomination forms please link to: The Lifetime Achievement Award The Ehsan Yarshater Book Award The Saidi-Sirjani Book Award <http://www.iranianstudies.com/awards/saidiSirjani> The Latifeh Yarshater Award The Rahim M. Irvani Dissertation Award The Mehrdad Mashayekhi Dissertation Award Please nominate by March 15, 2014. Award recipients will be announced at the 2014 Biennial Conference Opening Reception in Montreal Canada, August 7th, 2014.

***Congratulations to elected members
of the Board of Trustees of CZC.
Wishing all the best of health, strength,
patience, and wisdom to serve our
Zarathushti community to the best of
your abilities***

California Zoroastrian Center
Zoroastrian Journal
Chase Bank
Account #421-334675-6

*HAPPY
NOWRUZ*

Parthian city of Hatra in Northern Iraq in an alarming state

In the middle of an Iraqi northern desert, the imposing remains of the 2000 year old city of Hatra stand forlornly in the midst of wild grass, faintly attesting to the remote glory of the third Iranian dynastic Empire, the Parthians (248 BCE-224 CE), reported Xinhua.

Well-known for its high walls full of inscriptions and watchtowers dotted around the fortified city, Parthian Hatra, about 290 km (180 mi) northwest of Baghdad and 110 km (68 mi) southwest of Mosul. Hatra withstood repeated attacks and played an important role during the Second Parthian War against the Romans. It repulsed the sieges of both Trajan (116/117) and Septimius Severus (198/199). After the fall of the Parthian dynasty, Hatra was included into the new dynastic Empire, the Sasanians in 224 CE. The ancient city was inscribed on the UNESCO World Heritage List in 1985, the first such site in nowadays Iraq.

For the past decade of unrest following the 2003 US-led invasion, the ancient Iranian city has been suffering from inadequate excavations and maintenance and few tourists have ventured into the historic site.

Around the temples and ruined walls of Hatra where Iranian architecture and decorative features blended with the Roman art, several Iraqi

interior ministry policemen stood idly with rifles in hand, guarding a sprawling and virtually empty site.

“Tourists stopped visiting the site years ago because of the insecure situation in the area, even foreign archaeological teams’ safety cannot be ensured,”

a local security source who refused to be named told Xinhua.

There isn’t enough security members available to protect the Hatra archaeological site, due to fears of regular attacks by armed groups, particularly the Saudi Arabia sponsored terrorist group al-Qaida, which considers antiquities like the statues are prohibited in the Islamic Sharia law.

A CULTURAL CATASTROPHE
The country that since 1920s known as Iraq is home to one of the earliest civilizations. In over 5000 years, the country was bestowed with numerous historic treasures, which, as a result of the unrest in the past decade, have been afflicted by a cultural catastrophe. The region became part of the Persian Empire in 539 BCE and remained Iranian over 1100 until 637 CE when it was invaded by the Arab Muslims.

In the chaos following the fall of Baghdad by the United States on April 9, 2003, the Iraqi national museum was ransacked by looters including some of the US soldiers. An estimated 15,000 priceless

antiquities were lost and only about half of them have been recovered so far. Majority have left the country for West.

The museum, which houses some of the world’s most precious artefacts of ancient Mesopotamia, is still not open to the public due to slow renovations amid persistent violence in the country. Only specially arranged groups are allowed to visit some renovated halls.

The looting also occurred in museums and libraries in other provinces, but more severe -- and less publicised -- damage was the destruction of Iraq’s archaeological sites.

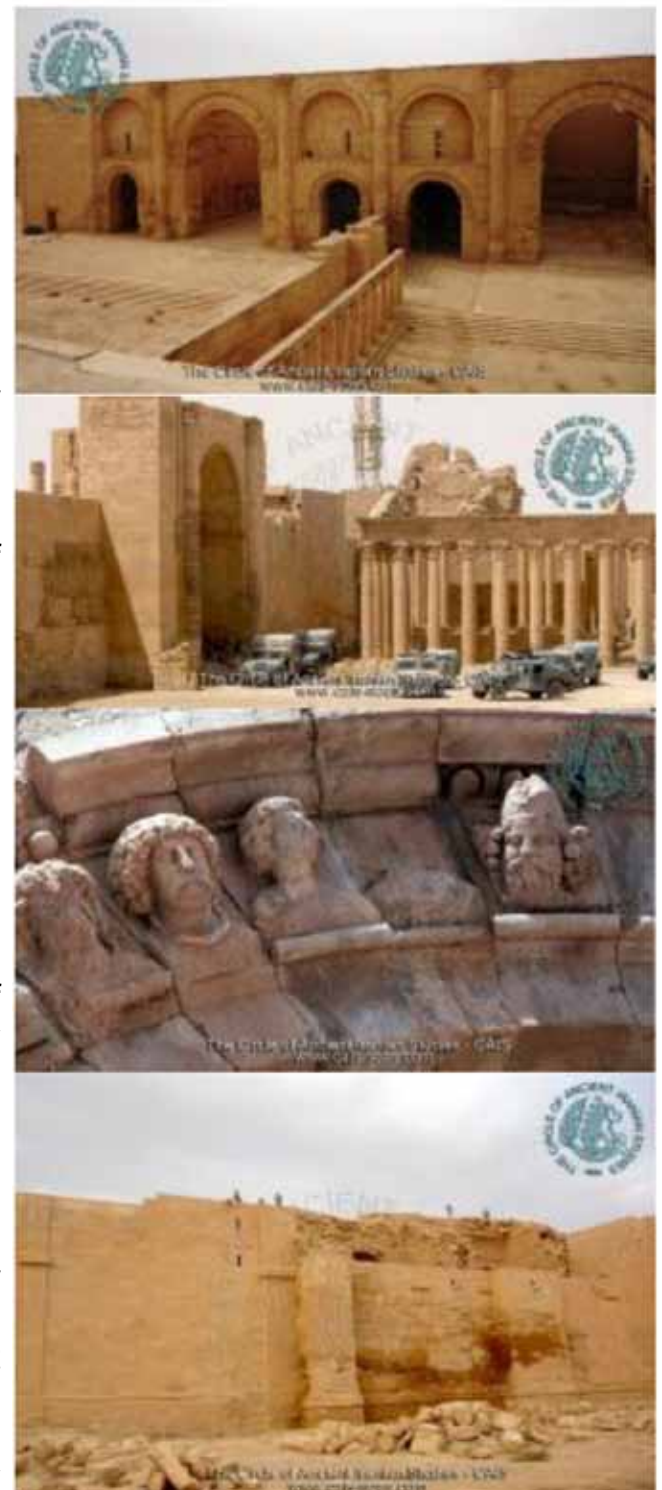
Chaos and fragile security during the post-invasion years left many historic sites in the hands of looters who carried out random excavations and stole tens of thousands of antiquities, usually causing irreversible damage, said Huda Hussein, an Iraqi female archaeologist.

“The links of the antiquities to their places are evidences for the civilisations that once prevailed there, so moving them will cut the links. But of course they

(the looters) don’t know or they don’t care, and they only care about money,” she said.

At least 32,000 items were estimated to have been looted from 12,000 recognised archaeological sites across Iraq since 2003. Yet for the potentially more than 100,000 sites which are undiscovered, it is impossible to reckon the actual number of stolen artefacts.

Become a fan of CAIS-SOAS
Stay up to date on the latest opinion, analysis and conversations through social media. Join us at Facebook/CAIS.SOAS and follow us @CAISNews on Twitter. We welcome your ideas and comments.



Nowruz at the Midnight Mission in Los Angeles: «Good Thoughts, Good «Words, Good Deeds

On Friday March 14th the Midnight Mission and Southern California Iranians will reunite for the third

annual Nowruz at the Midnight Mission event in Downtown's Skid Row sponsored by Skechers USA, Inc.

From 3-6 pm the streets of Skid Row will be transformed into festive medley of traditional Iranian music, dance and a glittering haft sin commemorating the festival of spring. Last year Iranian-American celebrities such as musician Andy, writer/actor Houshang Touzie, journalist and radio host Homa Sarshar along with hundreds of other volunteers helped serve hot meals and gifts to over 3,000 men, women and children of Skid Row. Everyone's efforts helped raise over \$125,000 to aid the Midnight Mission continue serving those in need of assistance.

Nowruz is not strictly an Iranian holiday but a festival of life and gratitude that cultivates fellowship among all ethnicities

reach out to the very community that took them in over 30 years ago and provided them with the resources to thrive both professionally

pursuit the Midnight Mission strives for every day. This year marks the Midnight Mission's 100th anniversary of helping LA's most needy residents to reestablish themselves back into society by giving them the proper care, resources and support they need for long-term rehabilitation. "I'm proud to be part of this remarkable institution, which has successfully evolved in harmony with the Los Angeles region over the last hundred years," says Larry Adamson, The Midnight Mission's President and CEO. "By the same token, we are



honored to be aligned with the Iranian-American community, who continue their philanthropic pledge to the City and the issue of homelessness." Prominent members of the community including philanthropist and real estate developer Shay Maghame as well as Chairman of Farhang Foundation Ali C. Razi will be in attendance as well as other celebrities and community leaders who will participate by volunteering to serve meals, perform, deliver gifts or donate much needed funds to the Mission. While it's too late to sign up as a volunteer, you can donate by calling 213-624-4106.

and religions. As the largest group of Iranians outside of Iran, it only makes sense for Tehrangelenos to

and personally. The spirit of Nowruz is one of renewal and promises of a better, brighter start, a

photos from the 2013 Nowruz at the Midnight Mission event (by Orly Minazad)

Children

To facilitate the attendance of parents of young children, and provide value for the registration of children, the Congress will offer babysitting for children under the age of five years. Volunteers from the community will care for children in this age group and guide them through numerous playful activities that will keep them occupied and well entertained while their parents attend Congress sessions.

A religious education program for children aged 5-12 years will also be offered. Details of the program will be decided based on the number of children in attendance, so be sure to register early. The mini-Congress will, therefore, allow children to learn about their religion and culture in an age appropriate and pleasurable manner, while allowing parents to enjoy adult Congress sessions that are of interest to them. All materials for the mini-Congress will be provided as part of the children's registration fees.

Sedreh Pooshi/Navjote in Berlin, 3751 Mazda Yasni



Bozorg Bazgasht Organization in cooperation with the Zarathushthrian Association of Germany held a group Sedreh Pooshi/Navjote in Berlin, Germany on Manthra Sepand day of Azar Mah in 3751 Mazda Yasni (Saturday 14th December, 2013). Some Iranians along with a Polish lady joined the Zarathushti faith by being initiated in the ceremony.

The forgotten Gandhi: Feroze Gandhi (September 1912 – 8 September 1960 12)

Son-in-law to one prime minister, husband to another and father to a third, he should have been a well-known face in the country's political landscape. But this isn't the case with Feroze Gandhi, whose birth centenary – September 12 – has just gone unnoticed.

India's greatest investigative parliamentarian, crusader against corruption, advocate of press freedom and the first campaigner for the people's right to information has gone unnoticed. He was such a cerebral, diligent and ruthless

pursuer of truth that he was once described by a fellow member of parliament as a "dangerously well-informed person".

While the nation remains obsessed with the fortunes of the family which has 10-Janpath as its postal address, it appears to have forgotten the real Gandhi who bequeathed this magical surname to Sonia et al.

But why blame the nation, when the fault lies with an ungrateful government controlled by this ungrateful family? Last year

the government splurged Rs7.25 crore on newspaper advertisements on the occasion of the birth anniversaries of Indira and Rajiv, but pretended not to notice Feroze's birth centenary.

There may be other reasons for this display of ungratefulness. Since the government is engulfed in scams and is employing undemocratic means to curtail parliamentary investigations, how can it hail the man who was described as the greatest campaigner against corruption?

Bushehr tourist attractions

Bushehr, the capital city of southern Province of Bushehr in Iran is located in Persian Gulf coasts and has desert climate.

Natural tourist attractions abounds the city which draws a great number of tourists to the city around the year especially during the Iranian New Year's Day holiday and the beginning of spring. The province has a long coastline, more than 700 kilometers in the Persian Gulf.

Rais Ali Delvari's House Rais Ali Delvari is an Iranian independence fighter against British colonialism in Bushehr province whose house is now a museum open to public.

Achaemenid Tomb

A tomb of Achaemenid Era in Dashtestan of Bushehr province is believed to be graves of some of Achaemenid female royals including Mandanda and Atousa.

Source, MNA



The XVII North American Zoroastrian Congress: Faith and Unity, Los Angeles, California, December

2014 ,29-31

The Program Committee is excited to present a rich and rewarding experience which meaningfully showcases the theme of the XVII North American Zoroastrian Congress: Faith and Unity.

Zoroastrianism is the world's oldest monotheistic faith. Since the first Zoroastrians came from India and Iran to North America in the last century, the community has sought to maintain its Zoroastrian traditions and follow the teachings of the Prophet Zarathushtra, who espoused the importance of "Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds" in the service of one God, about 4,000 years ago. Amongst many, one of our important contributions to the world is "the first charter of human rights and freedom" established by Cyrus the Great. We aspire to nurture our ancient faith and glorious history, even as we embrace our modern American existence, and contribute to our future.

Programming geared towards everyone from newborns to seniors will be the hallmark of this Congress. We will make it a Congress to remember for all!

Adults

Delegates can expect dynamic speakers: experts and laymen, who will provide much food for thought, with lectures and interactive panel discussions on various topics related to our religion, history, culture and contemporary existence. The use of technology will facilitate the immediate exchange of ideas and opinions from the audience.

Social & Entertainment Program

Delegates will be treated to a red-carpet experience as only Los Angeles can offer. Evening galas will showcase talented amateur and professional Zoroastrian entertainers. In addition, the Congress is excited to showcase a special performance by the World Zoroastrian Symphony Orchestra. Social events over the three nights of the Congress will reflect the entertainment style and social traditions of the cultures that have nurtured Zoroastrianism for ages: Persian, Indian and American. An extraordinary Gala Event is planned for New Year's Eve.

Youth

There will be several sessions aimed at addressing matters of interest to young Zarathushtis. For the first time, the Congress will offer a "Teen Track" which will consist of interactive sessions, and engage teens in learning about their religion and culture using the tools and technology prevalent in their lives. We encourage youth and teen delegates to bring their laptops or tablets and/or smartphones to their hands-on, interactive workshop-style sessions.

An important goal of the Congress is to facilitate friendships among Zoroastrian youth in North America. To that end, we will offer events prior to the start of the Congress to optimize the time you can spend with friends new and old, in addition to the social events that are scheduled during the Congress.

At the same time, our free will's actions are responsible for our spiritual state here and there.

There are Zoroastrians who would like to omit, add or deny certain doctrines including eschatology due to our actions caused by free will. There is a sublime allusion in the Gathas we need to recognize even though Zarathustra talks about Perfection, Ameretat, (immortality) and resurrection. The doctrine that the person is eschatologically accountable for his actions is found in Y. 31.14.

IdeassuchasHYPERLINK“<http://www.cais-soas.com/CAIS/cosmology/gardoman.htm>”garô. dHYPERLINK “<http://www.cais-soas.com/CAIS/cosmology/gardoman.htm>”əHYPERLINK “<http://www.cais-soas.com/CAIS/cosmology/gardoman.htm>”mâna-, usually translated as ‘the house of Song’ (Y. 50.4, 51.15), dēmâna- vanhêus mananho, ‘the house of the Good Mind’ (Y. 32.15), or anhêuš vahišta- ‘the best of existences’ (Y. 46.10) and other indirect expressions in 15-17 seem to be linked to the reward of the soul for having performed good deeds and the house of Lie (drûjô dēmâna) as the reward for evil deeds (Y. 46.11, 49.11).

In the post Gathic period, these ideas were expanded too far in creating the myth of the beautiful maiden greeting the righteous soul but an ugly one to the unrighteous. Thus, these were cast in stones.

In conclusion, our free will has a power to move us in the direction we want to go. Free will does not pop up like a thought. It has a subconscious and conscious storage of all our perceptions, exceptions and years of accumulated experiences, good or bad, since our birth, upbringing and walking through life. Zarathustra, through good will with good wisdom, wants us to further goodness to ourselves as well others to bring about harmony and peace in the whole world. This is the most supreme message the world ought to know.

A touch of modernity for only Parsi museum



Tucked away in Kemps Corner at the Khareghat Colony lies the Framji Dadabhoi Alpaiwalla Museum, the city's only community museum dedicated to Parsi artifacts. But over the years, as with most heritage structures in the city, the building has fallen into disrepair. However, 2014 brings great news with it. In a three-phase plan, over five years, the museum will be restored to more than its former glory.

“The organizers of the 10th World Zoroastrian Congress wanted to leave a lasting legacy on the city,” says Pheroza Godrej, an art conservationist and honorary consultant to the museum, “so I asked them to take up the issue of restoring the Alpaiwalla Museum. The structure is fabulous and didn't need much work, but the roof was leaking and the toilets were not usable.

“That has been changed. Also the museum was last restored 30 years ago, so the display techniques are all old. We want to change it according to current world standards.”

The restoration project is being financed by the Mumbai Parsi

Punchayet. The Parsi diaspora has also come forward to donate towards its renovation.

The museum was inaugurated with a small ceremony. Godrej says they'd like to change shows every three to four months. One of the first shows will have a reproduction of the western staircase from the Apadana in Persepolis in a 12-foot-long glass fabrication. The second is a replica of the sanctum sanctorum of an agiary.

Both the pieces were made thanks to the sponsorship of philanthropist Dr Cyrus Poonawala and were shown at the School of Oriental and African Studies (SOAS) in the UK last year.

The first phase is to make sure the structure of the building is fine and to recruit a team to manage the museum's daily functioning. The second phase has two parts — one where the showcases and lighting will be changed and the second where the artifacts will be restored.

“We have limited budgets and can't afford to centrally air-condition the entire museum,” says Godrej. “But in order to keep the artifacts safe, we need

to temperature-control each showcase, which will be our primary focus. In conjunction with developing the showcases, we will also restore the artifacts with the help of outside agencies. For example, we could get the Tapi Foundation to restore the textiles.”

The third phase is to make the museum disabled-friendly with the help of Mithu Alur and her foundation ADAPT.

The formal reopening of the museum will be held when the artifacts arrive from SOAS. There are over 1,500 artifacts at the museum. As exhibits under each section — porcelain, coins, stamps — are restored, shows will be held at the Alpaiwalla Museum.

By Kevin Lobo, Indian Express Mumbai

Free will in the Gathas

Free will has been the subject of all religions. Briefly let us look at the view of Abrahamic religions. In the Old Testament of Judaism, God makes decision for them. Actually, Yahweh has dual personalities. He is good, generous and the protector as long as His followers obey His commands. However, if any transgression occurs, sins are committed and disobedience is displayed, He lashes out and punishes them with plague, pestilence, famine, droughts and death.

evil. This is the very antithesis of Zarathushtra's teachings.

In Christianity, Paul, Augustine, Luther and Martin were great promoters of predestination. As such, all is predetermined. As such, those who have free will not to believe in Jesus are condemned.

In Islam, dating back to the Ommyyad times, the predestination view of the origin of good or evil resulted from God's decrees. This movement was known as Jabriya while another movement



In the Book of Exodus, we get the story of how Yahweh acts towards the Israelites and Egyptians. The Pharaoh agrees that they should depart to the land of the Canaanites. Yahweh instructs Moses to camp at the shore of the Red Sea. Yahweh plans to kill Egyptians and directs them to chase the Israelites. To make the story short, the sea waves set apart, Moses and his followers cross successfully but the Egyptians drown as the waves again merge at half way. It appears Yahweh lies to Egyptians so that they all will be destroyed.

In the Gathas, Mazda does not have such a dual personality to reward and punish unbelievers by death. That's why Zurvanism, though once popular, was considered as heresy by Mazda yasna orthodoxy because Mazda and Ahriman were his two sons, responsible for good and

called Qadarīya, believed in free will. Salvation comes from the right path to choose rationally between good and evil and hence the reward of heaven. By early Abbasid times, the Motazilites took over the Qadarite belief in human free will and argued that man can establish the truths of religion on the basis of reason, without any need for divine guidance.

However, the majority of Sunni traditionalists, representing the mainstream of Muslim thought, eventually rejected Qadarism and adopted a form of predestinarianism as propounded by Asharism (Encyclopedia Iranica, Dec 15, 2000).

Now we come to the Gathic concept where we must make a distinction between 'each his own' (EHO) and free will. The definition of EHO simply says

that each can have his/her opinions, beliefs and choices. If one points at a horse and says to another person, 'That horse is black,' but the other person replies that it's brown, that is 'each his own'. Y

However, when one makes a choice to join an institution, he/she is opting in and must follow the customs and traditions of that group. He/she cannot, now, opt out from observing what is required in that institution. For example, one makes a choice to visit a Sikh temple. Well, they will not allow you to enter unless you follow their rules of taking shoes off at the door. The same goes in other religions including ours.

With free will comes the responsibility of decision-making and choice. There are people in power who will abuse free will in ways that, to the rest of the people, will be destructive. Zarathushtra's approach is different. He does not want evil thinkers, speakers, doers, conscience and rulers. For they have evil free will and their place will be in the house of Lies (Yasna 49.11).

He says in Yasna 31.2:

Ýezî1 âish2 nôit3 urvânê4 –
advâ5 aibî-dereshtâ6 vah'yâ7
at8 vâ9 vîspêng10 âyôî11 –
yathâ12 ratûm13 ahurô14
vaêdâ15
mazdâ16 ayâ17 âsayâ18 – yâ19
ashat20 hachâ21 jvâmahî22.

Because1 of these2 (choices) the better7 path5 is not seen clearly3,6 by the soul4 (living world), I11 have11 therefore8 come11 forth11 to you9 all10 as12 Ahura14 Mazda16 has acknowledged15 (me) as the spiritual13 leader13 for both17 these parties18 so that19 we live22 in accordance21 with righteousness20 (joy and harmony). (B.Deboo)

He emphasizes that free will has two choices, good and evil, but the people of the world had not seen them clearly and he can show them the right path. He further warns those who will use free will in an evil way in

By Mobed Behram Deboo

Yasna 30.11:

Hyat1 tâ2 urvâtâ3 sashathâ4
– yâ5 mazdâ6 dadât7
mashyânghô8
hvîitchâ9 êneitî10 hyatchâ11
– daregêm12 dregvôdebyô13
rashô14
savachâ15 ashavabyô16 –
at17 aipî18 tâish19 anghaitî20
ushtâ21!

When1 you learn4 these2 teachings3 of happiness9 (or well-being) and suffering10 (ill-being) which5 Mazda6 gave7, O mortals8, and when11 (there will be) a long period12 of retribution14 for the wicked people13 and the rewards15 for the righteous persons16, then17 hereafter18 there shall be20 joy21 through these19 (teachings). (B.Deboo).

Free will does not mean you have a license to do anything you desire without considering the consequences that could follow. Zarathushtra wants us to use our Good Mind to contemplate, discern and determine intelligently which course is beneficial to one and others. That is called group-mindedness versus self-centeredness.

He also urges us to use innate (asna) and acquired khrahum (wisdom) in making decisions. Of course, that does not mean we will always be perfect in our actions. We are bound to make mistakes.

In many instances 'each his own' is not acceptable. To give one example, a person who goes to the emergency room of a hospital from a fall which caused him to bleed and does not tell the staff that he has HIV before they treat him, will be morally and ethically wrong due to the fact that his blood might infect others.. We can defend him saying he was too ashamed to tell. Is that enough?

If our EHO decided to join the navy, we are bound to follow rules and regulations to be a part of the team. In the same way, if our EHO decided to play basketball, we would have to follow the rules of the game on the court, and we are not any more EHO.

of devastating catastrophes and the consequent amnesia that they triggered made us to forget absolutely everything of our history.

Until the beginning of the 19th century no Iranian had ever heard the name of Cyrus the Great (Kourosh), or that of his successors, Dariush, Khashayar (Xerxes), Artaxerxes... who had built the first world empire, unifying for the first time east and west for over 200 years, and that on the basis of justice and human rights. This is written on the famous cylinder of Cyrus the Great now in the British Museum.

It was the European scholars who, as from the 18th century, were interested in Persian history and with a lot of painstaking efforts deciphered the Gatha's language and translated, then deciphered the cuneiform writings engraved on the Achaemenid bas-reliefs and tablets, then discovered the language, or rather the languages - Old Persian, new Elamite, Acadian and finally found out the whole history of Persia before the Arab invasion.

This historical amnesia among the Iranians was so deep, that we cannot find a single Iranian name who had been taking part in these discoveries. They were preoccupied to learn the Koran in Arabic that they couldn't understand a word or shedding tears over Hussein the third Shiite Imam who was killed by his cousin 1400 years ago. Without forgetting to read the mullah's "resolution of problems" regulating the least aspects of the Iranian's daily lives. There are more than two million problems, in the same nature inherited from two mullahs of 16th century, among the most obscurantist and reactionaries named Alameh Majlesi and Khomeini.

The most important thing we needed was to become aware of these 14 centuries of humiliating condition. And this illuminating consciousness is now offered unwanted by the mullahs on a plate to us, as a tool of transformation, a social, human and spiritual transformation. A transformation based on a Zoroastrian Renaissance in Iran that would be the synonymous of liberation. Liberation from 14 centuries of Arab cultural colonialism.

This newly found consciousness places the struggle of the Iranian people for

a cultural reconstruction in a historical perspective. This historical perspective makes the victory not only plausible but inevitable. Because as from now it is the natural movement of history (not a fashion) based on this new awareness and this new consciousness that bring forward our aim and objective. With this newly found consciousness, we are on the way of getting out of 14 centuries of defensive mentality of defeat and weakness.

We are now in the beginning of the rise of Zoroastrianism in Iran and the discovery of the Gathas, because in this way, the best and the shortest road is to go directly to the heart of Zarathushtra's Existential Philosophy which is the Gathas. The Gathas will be the most powerful tool for social and spiritual transformation. Because these seventeen sacred songs represent the highest and most noble ideals that humanity has ever had and will ever have at its disposal. What thought, what philosophy what religion in the world has ever given a better definition of the purpose of the existence and life as Zarathushtra in the Gathas, when he says: "the purpose of our life is to lead a happy and joyful existence on this earth and the purpose of our creation is to take part actively in the improvement of the world, in order that all living beings: humans, animals and plants live in peace and fullness".

This golden concept astonishingly so modern was developed more than 3700 years ago. Not only it is modern today but it will be modern as long as this world exists. This is not an intellectual construction which evaporates when in contact with reality. It makes the essence and the purpose of the creation. All the precepts presented in the Gathas are aimed practically to achieve this goal and purpose. In this way Zarathushtra doesn't forget to say that "happiness belong to those who make others happy".

**HAPPY
NEW
YEAR**

Jamsetji
TATA TRUST

AKSHAYA
PATRA
FOUNDATION

contributes 55 crore to

The Akshaya Patra Foundation

Fifty-five crore grant contributed by the Jamsetji Tata Trust

The Jamsetji Tata Trust has contributed a grant of Rs 55 crore (approximately \$8,864,500) to the Akshaya Patra Foundation, which will be utilized over the next five years in improving and optimizing various resources within the not-for-profit organization.

This initiative is projected to provide constant backing in the repair and upgrading of the existing kitchens. It is also aimed at acquiring logistical equipment like transportation, reducing cooking-to-consumption time, mounting 'green initiatives', enhancing food safety measures and achieving process efficiencies.

In a public-private partnership, along with funding and grants from the state and central Government of India, Akshaya Patra feeds over 1.3 million children in nine states and 20 locations. Midday meals are distributed to 10,050 government schools across these locations every school day.

'The mission of Akshaya Patra is to reach five million children by 2020,' said Sri Madhu Pandit Dasa, Chairman of the Foundation. 'This initiative will empower us to take a few steps towards our goal. We are grateful to the Jamsetji Tata Trust for having seen value in associating with our program.'

The Jamsetji Tata Trust is one of the oldest philanthropic institutions in India, and has played a pioneering role in changing traditional ideas of charity.

..... بنویسیم Nowruz را نوروز را

Zoroastrian Renaissance in Iran

As human beings, we are products of our environment on one hand and of our history on the other. Even though, the Parsi and the Iranians have been living for the past 1200 years in two different environments, one in India and the other in Iran, their common historical roots makes that they have been linked together throughout this long period.

Our common ancestors witnessed and lived the first Moslem Arab invasion of Iran in the 7th century. They witnessed and lived also that horrible period between the 7th and 9th centuries known in our history as "two centuries of silence" during which the bulk of Persian culture was destroyed. Those who didn't want to accept the rules of the Arabs fled Iran to India.

1400 years later, our generation, is witnessing and living the second Moslem invasion of Iran. A strange game of destiny wanted that we experience an extraordinary repeat of history. Once again the Iranians are projected 1400 years back in time, living the same events that our common ancestors lived during the first Moslem invasion. Once again, the Iranians had to run away from Islam and Islamic rules. This time in a much larger scale than the previous one: since 1979 more than five million Iranians had to flee Iran, mostly for western countries.

Even though these two big migrations have been produced by the same cause, that is the Islamic invasion, the difference between these two forced migrations is important. Those who escaped from Iran to India 1200 years ago (9th century), the Parsi, brought with them a very precious thing and it was an "identity". An identity rooted in Zoroastrianism, even though at that time it was in decadence. Once in India, they had to reshape the Zoroastrianism in order to adapt it to their new environment. The Indian society was based on a rigid social division, the casts. Therefore, the newcomers, the Persians or Parsi, had to build their own cast and live together. This action gave them two great advantages. Firstly, they kept their Zoroastrian identity and secondly this very identity helped them to keep the

cohesion of the group and throughout the time become a successful community in India. Even though some thought in order to keep this success they had to sacrifice two important pillars of Zoroastrianism: one, the profoundly universality of Zoroastrian message and second, the freedom of choice.

I will come to this sensitive matter later. Now let's see what happens to the Iranians of today who are fleeing Iran: They leave their country with a shattered identity and a broken culture rooted in nothing, in a frightening emptiness. They have always been told they were Moslems, but now they are running away from Islam! That means they are running away from the identity that was imposed to them by this religion.

This situation has been the beginning of an extraordinary discovery, a shining light, and a revelation. And that was the birth of a new consciousness, a new awareness. This was the greatest gift that the Islamic Republic unwanted gave to the Iranians. It was like to give back the memory of a person who had been fallen into a deep Alzheimer's disease. In this process, the internet and modern communications have been very helpful in this wake up. In fact, as from the beginning of the devastating Arab invasion in 7th century, everything was set up to drain Iranians of their historical memory. Iranians became an amnesiac nation, people without memory. Without history slowly, gradually, the glorious Persian history, culture and civilization that had been shining over the world during 1200 years, faded away and were replaced by the Islamized Arab sub-culture.

The strict dichotomy between the Persian culture, based on Zoroastrianism and Arab culture based on Islam succeeded to create a nation full of confusion and contradictions, in permanent war with itself. This confusion reversed all the values that had made the basis of humanistic and progressive Zoroastrian culture of the Gathas.

That is how freedom was confused with repression, happiness with suffering,

justice with injustice, righteousness with deception, wisdom with superstition and light with darkness

The unanswered questions that have been buried for centuries in the people's collective unconscious are becoming now one after the other conscience. Who am I? What happened to me? What happened to us? What happened to this country once again?

Even though many books and articles have been written about it, there are still many things remain in the shadows. Personally I have been working for 5 years on the subject to understand what had exactly happened. Particularly how the most powerful army in the world at the time, the Sassanid army, that had defeated 9 times the powerful Roman army, and had brought three of their emperors with thousands of prisoners to Iran, and had extended the border of Iran from China to Egypt, and brought the cross of Jesus from Jerusalem to Iran, couldn't resist thirty five thousand Arab Bedouins with no military experience. That would be the subject of another talk, because it is too complex to explain it in a few minutes.

Let's go back to this amnesia, to this loss of historical memory. Here I give you just a small sample: Ibn e Khaldun, Arab historian of the 14th century, writes "Omar the second Caliph of Islam, who invaded Iran, had ordered that all Zoroastrian books and historical writings should be burned. And the burning of tens of thousands of books and manuscripts allowed to heating all the public baths of in whole Persia for six months! The extension of this disaster was such that in the end only a few books among which four or five Avesta were left. Some of the books remained in Iran and some of them were taken by the Iranians who were escaping from Iran to India, the Parsi. Once in India, they copied these books and sent them back to Iran. That is why the oldest manuscripts that we have now belong to the 13th or the 14th centuries. 1400 years later of what Ibn Khaldoun described, personally I saw with my own eyes that tens of thousands of books looted from the university's libraries were put in fire. These kinds



cover story

page 4,5

Zoroastrian Renaissance in Iran

page 5

Fifty-five crore grant contributed by the Jamsetji

Gathas

page 6

Free will in the Gathas

History & Culture

page 11

Parthian city of Hatra in Northern Iraq in an alarming state

News Section

page 7

A touch of modernity for only Parsi museum

page 8

The XVII North American Zoroastrian Congress: Faith and Unity

Bushehr tourist attraction

page 9

The forgotten Gandhi: Feroze Gandhi

General

page10

Nowruz at the Midnight Mission in Los Angeles

page12

Iranian cultural festival kicks off in Sarajevo

page13

California Zoroastrian Center is Proud to be a Sponsor for this event

Iran promoting tourist attractions at Belgrade fair

Editor's note

Shahrooz Ash

The season of Nowruz is upon us, and once again it is the time of reflection, personal, family and community at large. So, I found words of wisdom from one of the greatest Zoroastrian scholars; Dr. Dhalla with great relevance to reflect on this Nowruz.

DECAY OF MORALS BRINGS DISSOLUTION OF SOCIETY

Zarathushtra inculcates the simplicity of life and our early ancestors were brought up in simple habits of life. They lived a frugal, contented, and a happy life. When they became conquerors of vast territories and built the mightiest empires of their days, the influx of riches from conquered countries bred in them lassitude, a love of ease and an aptitude for enjoyment and luxury. A life of self-indulgence, unbridled luxury and indolence deprived the virile classes of their former virility. The people could not escape the contagion of the luxury and vice of the nobility. They emulated court luxuries and abandoned themselves to unbridled indulgence which rendered them effeminate. The love of simplicity was replaced by a feverish worship of pleasure. Social disintegration, moral laxity, and disunion plunged the country into a chronic state of civil war and sapped the vitals of the mighty empires. Decay of morals usually brings dissolution of society and they contributed, in the main, to the downfall of the great Achaemenian and Sasanian empires of Zoroastrian Iran.

Catastrophic tragedy overtook our ancestors at Nihavand and Qadisiya and we lost the kingdom and country we had called our own for long. Time's rough hands handled us roughly. It makes our flesh creep and blood curdle in our veins to remember the hardships that followed. Thou wert our shield in the days of our troubles and our only stay and strength, Ahura Mazda. Thou didst enable us to outlive our trials and tribulations.

Teach us to be wise through the lessons of our history. Help us to learn from the failures of our forefathers. Thou dost know our weaknesses. Let not our small community be torn with factions. Teach us to live as comrades all, in willing fellowship and loving fraternity, in brotherly helpfulness and cooperation. Inspire us to live in mutual understanding and trust and peace.

Into thy hands, Ahura Mazda, we commit ourselves. Let thy guiding hand lead our lives. May the life of thy Spents Mainyu, Holy Spirit, surge within the hearts of the young and old of our dear community and express itself in our communal virtue.

(Homage Unto Ahura Mazda, Dastur Dr. M.N. Dhalla, New York, 1941)



The Zoroastrian Journal
No.23
Publish: Quarterly
Spring 2014

Topics:
Religions, Culture, Social, Sci-
ence, History, News...

Senior Editors
Mobed Bahram Deboo
Shahrooz Ash

Authors/Writers
Mobed Bahram Deboo
Dr. Khosro Khazai Pardis
Shahrooz Ash

Director and Publisher:
California Zoroastrian Center
A Non Profit Organization

Type and Design:
Roxana Kavosi

Printed By:
LA Web Press

Email: info@CZCJournal.org
Tel: 714 -893 -4737
Fax: 714 -894 -9577
www.CZCJOURNAL.ORG



CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE
WESTMINSTER, CA 92683
U.S.A.

(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577

www.czc.org
Email: info@czc.org

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.'- Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)



The **ZOROASTRIAN** Journal

Issue 23

Spring 2014/ 3752 Zoroastrian Calendar

cover story:

- Zoroastrian Renaissance in Iran

Other Topics:

- Free will in the Gathas
- Parthian city of Hatra in Northern Iraq
- Nowruz at the Midnight Mission in Los Angeles
- Iran promoting tourist attractions at Belgrade fair

